

آموزشی ابتداری



وزارت آموزش و پرورش
مادامه‌ی پژوهش و بررسی‌های آموزشی
دفتر نشر و انتشارات و نشریات آموزشی

ISSN : 1606-9102

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دانشجویان معلمان دانشگاه‌های وابسته و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و سوم - آبان‌ماه ۱۳۹۸ - شماره‌ی پی‌درپی ۱۸۳ - صفحه ۴۸ - ۲۶۰۰۰۰ ریال

www.roshdmag.ir

روشد

هفته‌ی کتاب
و کتاب‌خوانی مبارک

مسابقه در
صفحه‌ی ۴۷

۳۵۰

چاشنی‌های
جلب توجه

۳۴

سبک کردن آموزش
علوم دوره‌ی ابتدایی

۴

از هر راه
یک بار برویم!

میرزا حسن تبریزی (۱۳ تیر ۱۲۳۰، تبریز - ۱۸ آذر ۱۳۲۳، قم) از پیش‌قدمان نهضت فرهنگی ایران در سده‌ی قبل بود. حاجی میرزا حسن رشدیه با توصیه و مشورت پدرش که از روحانیان بود، تصمیم گرفت، به جای رفتن به نجف و خواندن درس طلبگی، روانه‌ی استانبول و مصر و بیروت شود و آموزگاری نوین را یاد بگیرد. او به بیروت رفت و در آنجا سبک نوین آموزش الفبا و درس‌های جدید مانند حساب و هندسه و تاریخ و جغرافیا را آموخت. سپس در تفلیس مشغول به کار شد.

آثار

این استاد دانشمند تألیفاتی دارد که از جمله‌ی آن‌ها کتاب‌های «بداية التعليم و كفاية التعليم، نهاية التعليم، و صد درس» را می‌توان نام برد. بخشی از کتاب نهاية التعليم با عنوان «تنبيه الغافلين یا ارشاد الطالبین» با موضوع بیداری افکار عمومی است.

حاج میرزا حسن تبریزی (رشدیه) پدر مدرسه‌های جدید ایران

حاج میرزا حسن تبریزی، معروف به «رشدیه»، بنیان‌گذار مکاتب جدید در ایران است. وی در سال ۱۳۰۵ اولین مدرسه با شیوه‌ای نو را در تبریز راه انداخت. در سال ۱۳۱۵ ق در تهران مدرسه‌ای گشود. به خاطر فعالیت‌های سیاسی و انتشار شب‌نامه، به کلات تبعید شد و پس از اعلان مشروطیت آزاد شد و به تهران آمد. در اواخر عمر به قم عزیمت کرد و در آنجا مدرسه‌ای برای اطفال فقرا و مستمندان دایر کرد. روش تعلیم الفبا در مدرسه‌های رشدیه با روش مکتب‌داران کاملاً متفاوت بود. روش رشدیه تعلیم الفبا را بدون آنکه به نوشتن توجه داشته باشد، آسان کرده بود. ابتدا به اطفال خواندن می‌آموخت و هیچ‌گاه ابتدا اسامی حروف آموخته نمی‌شد، بلکه صدای آن‌ها مورد نظر بود.

از نظر تعلیم، اهمیت اساسی کار رشدیه را باید در تحولی جست‌وجو کرد که در تعلیم الفبا ایجاد کرد. با روشی که رشدیه در تعلیم الفبا اتخاذ کرد، اطفال در مدت کوتاهی باسواد می‌شدند. روش‌های جدید تدریس الفبا نیز دنباله‌ی روشی است که رشدیه به کار می‌برد.

در مکتب رشدیه، اطفال «نخل‌های برومند امید من»، «نور چشمان من»، «چراغ‌های تاریکی قبر من» و «ودایع الهیه» نامیده می‌شوند. آن‌ها وقتی به مدرسه می‌آیند مقام والایی می‌یابند؛ زیرا به تحصیل «علم» آمده‌اند و علم آدم مرده را «زنده» می‌کند.

او به نور چشمانش پیشنهاد می‌کند: از خواب غفلت برخیزند و رخت خواب ذلت بربینند و از سبیل مکتب مشت‌ی آب به صورت زنند. عالی‌ترین کلام در مکتب رشدیه کلامی است که بیشتر جهل باشد.

«مرا در راهروی مدرسه‌ای به خاک بسپارید که صبح و ظهر و عصر جسد من لگدمال دانش‌آموزان شود و پس از مرگ هم با آن‌ها همدم باشم.»

منابع

۱. نقل و اقتباس از «مجموعه‌ی معارف»، شیخ محمدعلی بهجت دزفولی. شماره‌ی ۸، ص ۱۱.
۲. سیدین، علی. اندیشه‌های تربیتی میرزا حسن رشدیه، رشد معلم. ۱۳۷۷. شماره‌ی ۱۳۶.



آموزشی ابتداری



ماهانامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای
آموزگار ان، دانشجوی معلمان دانشگاه های وابسته و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ی بیست و سوم - آبان ماه ۱۳۹۸ - شماره ی پیرایی ۱۸۳ - ۴۸ صفحه - ۲۶۰۰۰ ریال

www.roshdmag.ir



اللهم صلی علی محمد و آل محمد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

یادداشت سردبیر - شما هستید !!! / ۲

گفت و گو - از هر راه یک بار برویم! / الهام فراستی / ۴

برنامه ی درسی - ریاضی / کاربردهای تقارن محوری و مرکزی / سپیده چمن آرا / ۷

● علوم / سبک کردن آموزش علوم دوره ی ابتدایی / احمد رضا اعرابی / ۳۴

نوشتار - ● از مصرف به تولید / حبیب یوسف زاده / ۱۴

● می نویسم که باشم! / زهرا سادات یاسینی / ۲۴

● چاشنی های جلب توجه / ترجمه: الهام فراستی / ۳۰

نوشتن - انشائویی - اگر نامرئی می شدم ... / حسین حسینی نژاد / ۱۶

معرفی کتاب - معلم مصلح / ۱۸

ادبیات - چرخ مسافر ز بهر ماست / جعفر ربانی / ۱۹

مدرسه شناسی - کتابی که می خوانیم! / کبری محمودی / ۲۲

گزارش - آموزگار پژوهنده ای که محتوای علمی می سازد / مرضیه کهندل / ۲۶

هشت نما - نمای دوم، بدون قلم / روح! / مالمیر / ۳۲

تجربه های آموزشی - ● گاز شیرین با جوش شیرین / فاطمه محمدی / ۳۸

● دانش آموز من ویتامین کلاس است / احسان افتادگان / ۳۹

خاطره - آفرین گل پسر خلیان / سیده محبوبه توفیقی نسب / ۴۰

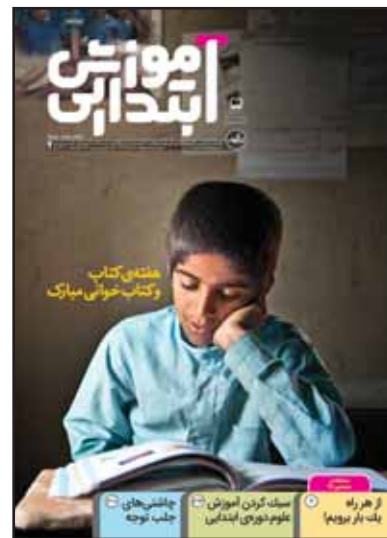
تجربه - تلفیق - و همه چیز از آب زنده است / زهرا علیزاده / ۴۲

تقویم ماه / ۴۴

همراهان ما و مسابقه / ۴۷

آلبوم عکس / ۴۸

مدیر مسئول: دکتر مسعود فیاضی
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه ریزی:
دکتر فاطمه رضانی، طبیبه حمزه بیگی،
مقصود رزم آرای شرق
مدیر داخلی: الهام فراستی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
دبیر عکس: پرویز قرا گوزلی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱
۹ - ۰۲۱ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۴۲۹)
نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
چاپ و توزیع: شرکت افست
صندوق پستی امور مشترکین:
۱۵۸۷۵/۳۳۱
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱ - ۸۸۸۶۷۳۰۸
شمارگان: ۱۴۰۰۰



عکس روی جلد: وحید قاسمی زرنوشه

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار «ورد» و روی «لوح فشرده» و یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتیر اصلی، تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.

● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم تری که در صفحه ی ۴۶ درج شده، توجه فرمایید.

شما هستید...!

با این مقدمه، بی‌شک پی برده‌اید که آموزگار آگاه و مورد نظر این اسناد باید به اطراف خود توجه کند و متناسب با رخدادها، پاسخی برای تحولات و نیازهای جامعه داشته باشد. همین‌گونه است نسبت مربی (معلم) با مربی یا دانش‌آموز.

در هفته‌ی فرخنده‌ی کتاب و کتاب‌خوانی هستیم. با همه‌ی مشکلاتی که بر سر راه صنعت نشر و کتاب قرار دارد، شاهدیم که شوق کتاب‌خوانی و رسیدن به ساحل آرامش‌بخش کتاب، چگونه جان‌های شیفته را به حظ وافر می‌رساند و لحظه‌ای مسیر مطالعه از دوستان علم و ادب خالی نمی‌ماند.

دوستان، آموزگاران، کارشناسان محترم، دانشجویان و والدین گرامی که به تازگی یا از دیرباز خواننده‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی و مخاطب آن هستید، بر شما درود می‌فرستیم. خداوند را شاکریم که دوباره فرصتی فراهم آمد تا به دیدار شما بیاییم؛ آن هم در هفته‌ی دانایی، بر آمده از کتاب و کتاب‌خوانی؛ در ایامی که روز دانش‌آموز و یادآور رشادت و ایثار شهید فهمیده و فهمیده‌هاست؛ همان‌ها که در سنگر تعلیم و تربیت در پای درس آموزگاران بزرگ شاگردی کردند و آموخته‌ها را به مهارت بدل ساختند؛ مهارتی از نوع هنر و هنری در حد مردان خدا که بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی آن را «شهادت» نامیده است.

براساس مفاد و راهکارهای اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، معلم (مربی) یا آموزگار باید در سطحی مناسب از شایستگی، سواد، آگاهی و مهارت قرار داشته باشد. از این دیدگاه، او کسی است که: «یک مربی است و مهم نیست چه درس می‌دهد. هر معلمی باید مربی هم باشد. در نظام تعلیم و تربیت همه مربی‌اند ... همه چیز در معلم است. باید بالاترین اهتمام در تکریم، تشویق، حرکت و پیشتازی معلم باشد!» (ص ۲۹).

«مربیان (آموزگاران) مجموعه‌ای از افراد نسبتاً رشد یافته، دلسوز و خیرخواه هستند که به لحاظ کسب شایستگی‌های فردی و جمعی و تحقق مراتب قابل توجهی از حیات طیبیه در وجود خویش، مسئولیت سنگین کمک به هدایت دیگران و زمینه‌سازی برای رشد و تحول وجودی افراد دیگر را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت مداوم جامعه‌ی صالح بر عهده گرفته‌اند» (ص ۱۳۷). و البته یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تعریف بالا، «رشد یافتگی و کمک به هدایت دیگران» است که بی‌گمان در سایه‌ی سوادآموزی، کتاب‌خوانی و دانایی و مراجعه به «رسانه» محقق می‌شود.

فرصت اندیشیدن

مقصود رزم آرای شرق

جهان کودک جهان بازی، شادی، شور و شوق، کنجکاوی، پرسشگری، هیجان، تخیل، خلاقیت و سرشار از پاکی و شفافیت است. بیایید همه با هم این جهان زیبا را برای آن‌ها بسازیم.

مدرسه‌ی مطلوب و دوست‌داشتنی برای کودکان ساختنی است، نه یافتنی.



سیاسگزاری

مخاطبان محترم در این شماره و شماره‌های بعد، اندک تغییراتی در ترکیب اعضای مجله و سرفصل‌های آن خواهید دید. اولین تغییر در سردبیری مجله اتفاق افتاده است. دوست عزیزمان آقای علیرضا متولی، به واسطه‌ی مشغله‌های دیگر، از همکاری در این قسمت رخصت و پوزش خواستند. ما نیز به پیروی از کلام مطهر امام رضا علیه السلام که فرمود: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ» (شیخ صدوق، ۱۳۷۳: ۵۲۹)، یعنی هر که در قبال خوبی مردم تشکر نکرد، از خداوند عز و جل هم تشکر نکرده است، از این همکار فرهیخته، به خاطر تلاش‌ها و قلم‌زنی‌هایشان در مجله تشکر می‌کنیم و آرزو می‌کنیم هر جا هستند موفق باشند. تغییر بعدی، آمدن اینجانب بوده است که در واقع دوباره به‌عنوان سردبیر به خانه‌ی خود و به میان دوستان و عزیزان برگشتم و خواستار دعای خیر شما همکاران فهیم و همراهی بیش از پیش شما با مجله هستم. دوستان! حتماً این عبارت یادتان هست، ما که یادمان نمی‌رود، چون «شما هستید که ما هم هستیم».

یادآوری

گاهی اگر چیزی را تکرار می‌کنیم، به دلیل لذت و شیرینی هم‌کلامی با مخاطبان و خوانندگان ریزبین مجله‌ی رشد آموزش

ابتدایی است. راه‌های ارتباط با مجله را تکرار می‌کنیم تا بتوانید آثار و نوشته‌ها یا حتی درخواست‌های خود را به ما برسانید:

۱. تلفن مستقیم و پیام‌گیر مجله: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱
 ۲. تلفن‌خانه: ۴۲۹ داخلی ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱
 ۳. نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۰۲۱ (رشد آموزش ابتدایی)
 ۴. صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱ تهران
 ۵. پیام‌نگار یا ایمیل مجله: ebtedayi@roshdmag.ir
 ۶. نشانی دفتر مجله: تهران - خیابان کریمخان زند. ابتدای خیابان ایرانشهر شمالی. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی. پلاک ۲۶۶
 ۷. سایت مجلات رشد و یا وبگاه: www.roshdmag.ir
- (لطفاً در نامه‌ها و مقالاتتان، نام و نام‌خانوادگی، شهر، سمت، شماره تلفن و کدپستی را هم درج فرمایید.)

مسابقه

در هر شماره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی مسابقه‌ای وجود دارد.

در این مسابقه شرکت کنید. به صاحبان آثار برگزیده، تقدیرنامه‌ای با امضای مدیر کل محترم دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، و هدیه‌ای به‌عنوان قدردانی، تقدیم خواهد شد.

۱. «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی». ج. ۱.۱. آذرماه ۱۳۹۰.
۲. «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی». ج. ۱.۱. آذرماه ۱۳۹۰.



نظام‌های آموزشی
زمانی فرو می‌ریزند
که به سؤالات امروزی
کودکان به شیوه‌ی
دیروز پاسخ دهند.

در منظومه‌ی تربیتی کودکان باید شرایطی
فراهم کرد که کودکان شاد زیستن،
آزادانه زیستن، امیدوارانه زیستن و
سرافراز زیستن را تجربه کنند.



پای صحبت مائده ارشد راد، آموزگار جوان

از هر راه يك بار برويم!

اگرچه علاقه اولین گام در مسیر شغلی هر انسانی محسوب می‌شود، اما این علاقه نباید باعث محدود کردن ذهن فقط به همان حرفه شود. محدود کردن ذهن به یک مسیر تکراری، مانع بلوغ و رسیدن به کمال می‌شود. ذهن خلاق آموزگار به او کمک می‌کند ایده‌های ناب را در لحظه و با توجه به امکانات موجود عملی سازد. در این شماره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به سراغ آموزگار جوان، مائده ارشد راد، رفتیم؛ معلمی که سال اول تدریسش را در پایه‌ی دوم ابتدایی در مدرسه‌ی دخترانه‌ی عدالت از منطقه‌ی ۱۵ تهران گذرانده است. او می‌گوید: «معلم ابتدایی نباید ذهن خود را فقط به معلمی محدود کند. او باید فعالیت‌های متنوعی در زمینه‌های گوناگون هم داشته باشد». با گفت‌وگوی این شماره از مجله همراه ما باشید.

کلیدواژه‌ها: آموزگار خلاق، حرفه‌ی معلمی

● چطور شد به آموزگاری روی آوردید؟

آرزوی من در دوران کودکی معلمی بود. با اینکه در دوران ابتدایی معلمی نداشتم که تأثیر چندانی بر این علاقه نگذارد، اما باز هم آرزوی معلمی همراه من بود. در دوران دبیرستان طرحی داشتیم که دانش‌آموز منتخب معلم، می‌توانست یک روز به بچه‌ها درس بدهد. معلم‌های فیزیک و شیمی من را برای این طرح انتخاب کردند. تجربه‌ی بسیار خوبی بود، چون هم کلاسی‌هایم در قدرت انتقال مفاهیم تحسینم کردند. آن موقع دوست داشتم معلم ریاضی یا فیزیک شوم. اما در سال ۹۳، برای شرکت در کنکور، رشته‌ی دبیری ریاضی نبود و دبیری فیزیک هم دو نفر ظرفیت داشت که من آن را انتخاب نکردم و هشت انتخاب اولم را کارشناسی علوم تربیتی، گرایش آموزش ابتدایی، زدم که در انتخاب ششم قبول شدم.

● برای آموزگار شدن چه مسیری را طی کردید؟

بعد از قبولی در کنکور، وارد دانشگاه پردیس نسیمیه‌ی فرهنگیان، واقع در خیابان مرزداران تهران شدم. با وجود اینکه به ابتدایی علاقه‌ای نداشتم، اما وقتی وارد دانشگاه فرهنگیان شدم و به اهمیت این رشته پی بردم، به آن علاقه‌مند شدم. از طرف دیگر، متوجه شدم اینجا جایی است که من می‌توانم به‌عنوان معلم ابتدایی خلاقیت‌هایی را که دوست دارم به اجرا درآورم. در حال حاضر سال اول آموزگاری را پشت سر گذاشته‌ام.

● در دانشگاه احساس خلأ آموزشی می‌کردید؟

در کنار استادان خوبی که داشتیم، استادانی هم بودند که بار علمی بالایی داشتند، ولی در انتقال مفاهیم قدرت خوبی نداشتند. من خودم در آموزش ریاضی احساس خلأ می‌کردم.

● از اولین روز کارتان بگویید؟

از روزهای قبل، برای رویارویی با بچه‌ها برنامه‌ریزی کرده بودم. به تعداد بچه‌ها کارت‌های تبریک کوچکی درست کردم که در آن‌ها ورودشان را به پایه‌ی دوم تبریک گفته بودم. وقتی وارد کلاس شدم، متوجه تعجب و خوش‌حالی آن‌ها در مورد اینکه معلمشان جوان است، شدم. کارت‌های تبریک را بین آن‌ها تقسیم کردم و شعری را که برایشان سروده بودم، با آهنگ خواندم. آن‌ها هم با خوش‌حالی با من خواندند و بعدها آن را حفظ کردند. خودم را معرفی کردم و از اینکه چطور معلم شدم، برایشان گفتم. سپس از آن‌ها خواستم خودشان را معرفی کنند تا با هم آشنا شویم.

● تفاوت کارآموزی با کلاس واقعی چه بود؟

خیلی تفاوت دارد:

اولین تفاوت این است که کلاس و دانش‌آموزان متعلق به من هستند و من در چگونگی اداره‌ی آن و انتخاب روش تدریس آزادم. احساس تعلق خاطر به دانش‌آموزانم دارم، چون قرار است یک سال با آن‌ها زندگی کنم. اما در کلاس‌های کارورزی دانش‌آموزان معلم خودشان را داشتند.

بین کلاس واقعی و کلاس‌های کارورزی تفاوت‌های عمده‌ی فرهنگی و امکانات آموزشی به چشم می‌خورد. در کلاس‌های کارورزی ما با کارکنان مدرسه ارتباطی نداشتم، اما در کلاس واقعی با همه‌ی عوامل مدرسه ارتباط برقرار می‌کنیم.



کلاهی درست کرده‌ام و نام آن را «دختر دانا» گذاشته‌ام. بچه‌هایی که کتابی را خوانده‌اند و از آن خوششان آمده است، با بر سر گذاشتن این کلاه، ماجرای آن کتاب را برای بقیه تعریف می‌کنند.

● توصیه‌تان به معلم‌هایی که امسال وارد کلاس درس می‌شوند چیست؟

۱. اطلاعات خود را در زمینه‌های گوناگون بالا ببرند.
۲. در ارتباط با دانش‌آموزان، فقط به کتاب‌های روان‌شناسی دانشگاه بسنده نکنند و کتاب‌های متنوعی در این زمینه بخوانند.
۳. کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی را مثل کتاب‌های دانشگاه با خود داشته باشند.
۴. یادشان باشد مدیریت کلاس و راهکارهای اجرایی دیگر با تجربه به دست می‌آید، مگر اینکه از معلم‌های باتجربه کمک بخواهند.
۵. پرورش خلاقیت یعنی هر روز یک چیز جدید یاد بگیرند و ذهن خود را به معلمی محدود نکنند و در کنار معلمی فعالیت‌های دیگری هم داشته باشند و بر مهارت‌های یادگیری خود بیفزایند.
۶. زیاد مطالعه کنند.
۷. از نظرها و پیشنهادهای خود دانش‌آموزان در موارد گوناگون استفاده کنند.

● آیا الان احساس می‌کنید چیزهایی باید می‌آموختید که نیاموخته‌اید؟

همان‌طور که اشاره کردم، من در زمینه‌ی آموزش ریاضی در برخی مطالب مشکل داشتم که سعی می‌کردم با کمک کتاب‌های راهنمای معلم و مشورت با معلمان باتجربه‌ی مدرسه آن‌ها را حل کنم. در کتاب‌های دانشگاه، در مورد دانش‌آموزان بیش‌فعال و دچار اختلال بحث شده بود و فقط آن‌ها را معرفی کرده بودند، اما راهکاری برای برخورد با آن‌ها ن داده بودند. آنچه با تجربه به دست می‌آید، خیلی مهم‌تر است از مطالب نظری که در دانشگاه خوانده‌ایم. ممکن است معلمان جوان به دلیل کم‌تجربگی در این زمینه، مشکلات بیشتری برای چنین دانش‌آموزانی ایجاد کنند. برای مثال، من دانش‌آموزی داشتم که کمتر از سنش می‌فهمید. وقتی با مادرش صحبت کردم، متوجه شدم مادر نگرانی زیادی دارد و بچه را مدام سرزنش و تنبیه می‌کند.

● چشم‌اندازتان از حرفه‌ی آموزگاری چیست؟

به نظرم معلم نباید فقط خود را معلم بداند. او باید در زمینه‌های دیگر هم فعالیت کند. در دوران دانشگاه، در فعالیت‌های فرهنگی شرکت می‌کردم و دبیر کانون یاوران نماز و دبیر انجمن علمی - آموزشی ابتدایی بودم. از کودکی نوشتن و شعر گفتن را دوست داشتم و الان هم در مجله‌ی «شوق تغییر» مطلب می‌نویسم. از این علاقه در کلاس درس هم استفاده می‌کنم و روی موضوع داستان‌نویسی بچه‌ها خیلی کار می‌کنم. از کتابخانه‌ی کلاس کتابی را برایشان می‌خوانم و از آن‌ها می‌خواهم خلاصه‌ی آن را بنویسند. یا از دانش‌آموزی می‌خواهم کتاب داستانی را بخواند و بقیه‌ی بچه‌ها درباره‌ی شخصیت‌های آن و نتیجه‌گیری از داستان صحبت کنند.



تجربه‌ی اول

دانش آموز بیش فعالی داشتم که در حین درس کاردستی درست می کرد. اوایل به شدت از این کارش عصبانی می شدم و از او می خواستم وسایلش را جمع کند و به درس گوش دهد، اما بعدها متوجه شدم در حین درست کردن کاردستی، به درس هم گوش می دهد. من نباید عصبانی می شدم، چون دیگر نمی توانستم با آرامش کلاس را مدیریت کنم.

تجربه‌ی دوم

دومین تجربه‌ی من در زمینه‌ی آموزش ریاضی در مبحث جمع فرایندی بود که یک مرحله از آن را اضافه به بچه‌ها گفتم. فردای آن روز بچه‌هایی که با کمک اولیا تمرین‌ها را حل کرده بودند، به سراغ من آمدند که مادرمان اینجا را طور دیگری گفته است. آن موقع من تازه متوجه اشتباهم شدم. از آن موقع زمان زیادی طول کشید تا آن مرحله‌ی اضافه را از ذهن بچه‌ها پاک کنم که دیگر از آن استفاده نکنند.



تجربه‌ی سوم

برای تدریس درس هدیه‌های آسمان سراغ معلمان باتجربه‌ی مدرسه رفتم و جوایای آن شدم که آن‌ها چگونه این درس را تدریس می کنند، اما آن‌ها کار خاصی در این زمینه انجام نمی دادند. همین برایم انگیزه‌ای شد تا خودم به دنبال آن بروم و خلاقیتم را برای تدریس این درس به کار بگیرم. در نمایشگاه کتاب، به دنبال کتابی بودم که در زنگ هدیه‌های آسمان برای بچه‌ها بخوانم. در نهایت، کتاب ۱۰ جلدی «چه مهربان است خدا»، نوشته‌ی **مه‌ری ماهوتی** را خریدم و در زنگ هدیه‌های آسمان آن را برای بچه‌ها می خواندم. برایشان بسیار لذت بخش بود.





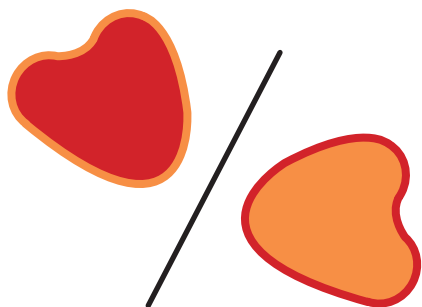
کاربردهای تقارن محوری و مرکزی

مطلبی برای افزایش دانش موضوعی ریاضی معلمان

مقدمه

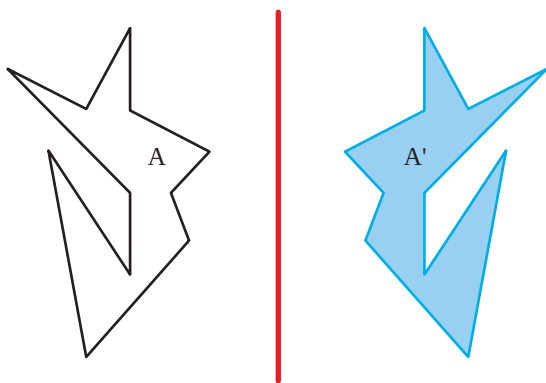
بازتاب منظره‌ها در آب، یا تشکیل تصویر در آینه، نمونه‌هایی از **تقارن محوری** هستند. تقارن محوری یکی از انواع تغییراتی است که می‌توان روی شکل‌ها در یک **صفحه** انجام داد. **تقارن مرکزی** نیز یک نوع دیگر تقارن است که با دوران‌ها ارتباط دارد. به این تغییرات در هندسه **تبدیل** گفته می‌شود. وقتی روی یک شکل، یک یا چند تبدیل پشت سر هم اثر می‌کند، نوع شکل تغییری نمی‌کند، ولی مکان یا وضعیت شکل تغییر می‌کند. در این شماره از مجله، با تقارن محوری و تقارن مرکزی آشنا می‌شویم و کاربردهای آن را در کاشی‌کاری ایرانی - اسلامی خواهیم دید.

در کتاب‌های درسی ریاضی دوره‌ی ابتدایی موضوع‌هایی هستند که یا دانش‌آموزان در یادگیری آن‌ها مشکل دارند یا آموزگاران در یاددهی آن‌ها. یکی از این موضوعات، تقارن‌ها و دوران در هندسه است. «تقارن و دوران» حالت خاصی از تغییر دادن یک شکل در صفحه است. این تغییر دادن‌ها را «تبدیل هندسی» می‌نامند. در این مطلب قصد داریم تقارن و دوران را به عنوان یک موضوع یا مفهوم ریاضی، به گونه‌ای متفاوت، بررسی کنیم تا آموزگاران دانش موضوعی خود را برای تدریس بهتر افزایش دهند. همچنین، مطالبی درباره‌ی تدریس این موضوعات بیان خواهیم کرد.



تصویر ۱. شکل نارنجی، قرینه‌ی شکل قرمز روی صفحه است

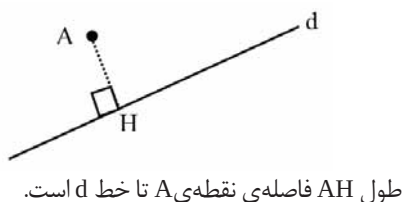
موضوع مهم دیگر این است که در بازتاب، یک جهت کاملاً برعکس می‌شود؛ مثلاً در آینه، دست چپ و راست تصویر شما برعکس آنچه در واقعیت است می‌شود. در حالت کلی نیز در تقارن محوری، آن جهتی که بر محور تقارن عمود است، برعکس می‌شود. انگار شکل‌تان پشت و رو شده باشد.



تصویر ۲. قرینه‌ی یک نقطه نسبت به خط

فاصله‌ی یک نقطه تا یک خط در صفحه

نقطه‌ی A را در نظر بگیرید. فاصله‌ی آن را تا خط d می‌خواهیم. از A یک پاره‌خط به خط مزبور عمود کنید. این پاره‌خط کوتاه‌ترین پاره‌خطی است که یک سرش A و سر دیگرش روی خط d است. اندازه‌ی طول این پاره‌خط، فاصله‌ی نقطه تا خط است.

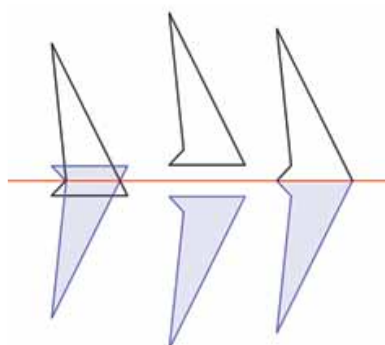


طول AH فاصله‌ی نقطه‌ی A تا خط d است.

تقارن محوری چیست؟

یک خط را در صفحه در نظر بگیرید. اگر یک شکل در آن صفحه را نسبت به آن خط بازتاب دهیم، تصویر به دست آمده، شکلی است که با شکل اولیه هم‌نهشت است، ولی انگار پشت و رو شده است. به شکل به دست آمده **قرینه‌ی** شکل اصلی می‌گویند و به خطی که بازتاب را نسبت به آن انجام داده‌ایم، **محور تقارن** (یا خط تقارن) گفته می‌شود.

در تصویر ۲، چند نمونه‌ی دیگر از تقارن محوری و شکل‌های قرینه را می‌بینید:

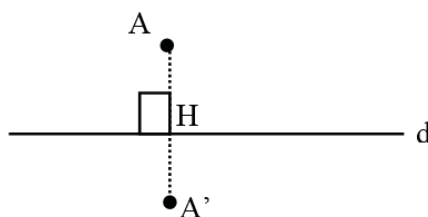


تصویر ۲. در هر مورد، شکل سفید قرینه‌ی شکل آبی نسبت به خط قرمز روی صفحه است

می‌بینید که اگر خط تقارن شکل را قطع کرده باشد، شکل و قرینه‌اش با هم تداخل خواهند داشت (شکل سمت چپ در تصویر ۲).

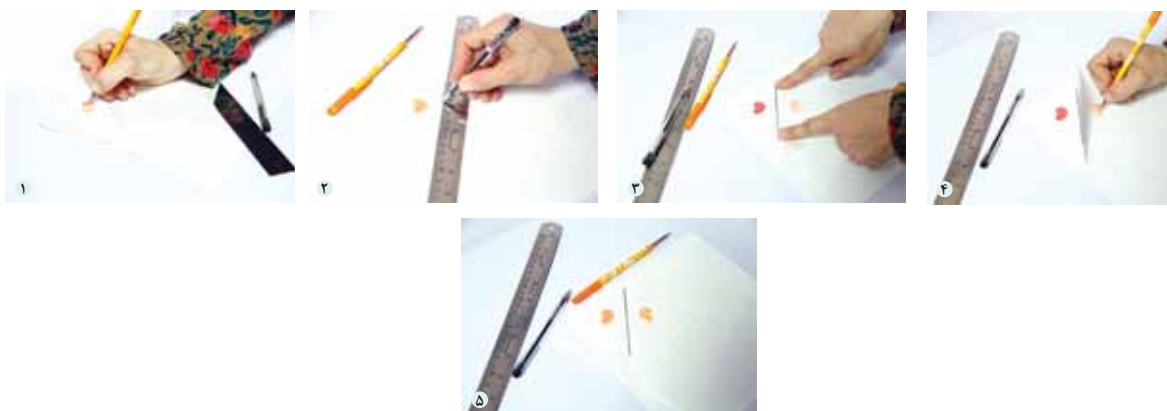
بگذارید دقیق‌تر ببینیم در بازتاب شکل نسبت به یک خط چه اتفاقی می‌افتد؟ وقتی شکلی بازتاب پیدا می‌کند، هر نقطه از شکل و نقطه‌ی متناظر آن در قرینه، تا خط بازتاب فاصله‌های یکسان دارند. این موضوع در واقع قانون بازتاب است که در آینه نیز رخ می‌دهد. هر چه از آینه دور می‌شوید، تصویر شما در آینه نیز دورتر می‌شود و هر چه به آینه نزدیک می‌شوید، تصویر نیز نزدیک‌تر می‌آید.

پس برای اینکه قرینه‌ی یک نقطه مانند A را نسبت به خط راستی مانند d به دست بیاوریم، ابتدا از A پاره‌خط AH را بر d عمود می‌کنیم (مثلاً با گونیا). سپس $A'H$ را هم اندازه‌ی AH و با امتداد دادن آن رسم می‌کنیم. A' قرینه‌ی A نسبت به خط d است (تصویر ۳).

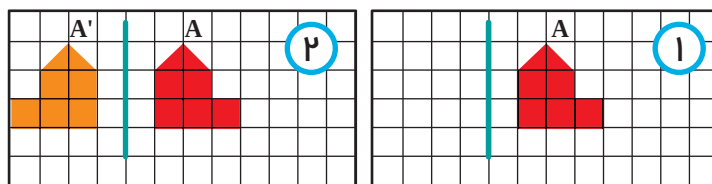


چگونه شکلی را در صفحه نسبت به یک خط راست تقارن دهیم؟

الف) با استفاده از کاغذ پوستی: کاغذ پوستی را روی صفحه بیندازید. شکل و خط تقارن را با دقت روی آن کپی کنید. کاغذ پوستی را که یک نسخه از شکل شما روی آن است، از روی خط تقارن تا کنید. تصویر شکل را روی آن لای کاغذ که شکلتان رویش نیست، کپی کنید. تایی کاغذ را باز کنید تا ببینید که شکل نسبت به خط مورد نظر قرینه شده است.



ب) با استفاده از صفحه‌ی شطرنجی: صفحه‌ی شطرنجی صفحه‌ای است که با خانه‌های مربع شکل هم‌اندازه پوشیده شده است. اگر امتداد خط تقارن با یکی از امتدادهای افقی یا عمودی صفحه‌ی شطرنجی یکی باشد، و اگر یک شکل روی صفحه‌ی شطرنجی قرار داشته باشد، فاصله‌ی نقطه‌های مختلف آن نسبت به خط را می‌توان با شمردن این چهارخانه‌ها مشخص کرد. مثلاً در تصویر ۴، نقطه‌ی A دو خانه با خط فاصله دارد. به این ترتیب، برای قرینه کردن یک شکل نسبت به خط روی صفحه‌ی شطرنجی، کافی است یک نقطه از آن شکل (مانند A) را قرینه کنید و نقطه‌ی A' را به دست آورید و سپس سایر نقاط شکل را در مکان جدید، منتها با وضعیتی درست برعکس آنچه نسبت به A داشته‌اند، نسبت به نقطه‌ی A' رسم کنید.



تصویر ۴: تغییر جهت‌ها در تقارن محوری: آنچه در قسمت بالای شکل است، در قرینه هم بالاست، ولی آنچه در شکل در سمت راست شکل است، در قرینه سمت چپ است.

گاهی یک شکل ویژگی‌هایی دارد که با استفاده از آن‌ها تقارن شکل راحت‌تر انجام می‌شود. برای نمونه:

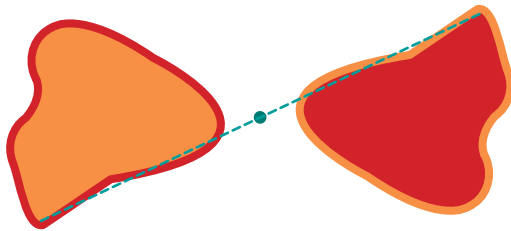
- برای تقارن یک پاره‌خط، کافی است تنها دو نقطه‌ی دو سر پاره‌خط را قرینه کنیم. بعد آن دو نقطه‌ی جدید را به هم وصل کنیم. پاره‌خطی که به دست می‌آید، قرینه‌ی پاره‌خط اولیه است.
- برای تقارن یک چندضلعی، که در واقع از چند پاره‌خط تشکیل شده، کافی است تنها رأس‌های چندضلعی را قرینه کنیم، سپس این نقطه‌های جدید را به ترتیب به هم وصل کنیم. چندضلعی به دست آمده قرینه‌ی چندضلعی اولیه است.
- برای انتقال یک دایره، کافی است مرکز دایره را قرینه کنیم. سپس به شعاع دایره‌ی اصلی و به مرکز جدید، دایره‌ای بزنیم. این دایره قرینه‌ی دایره‌ی اصلی است. ولی به این موضوع توجه کنید که اگر نقطه‌های دایره به طریقی از هم متمایز شده بودند، مثلاً با رنگ آمیزی، می‌دیدید که جهت دایره برعکس شده است. شما این فهرست را با شکل‌های دیگری که می‌شناسید، کامل کنید.

هندسه جزء جدانشدنی برنامه‌ی درسی ریاضیات در همه‌ی کشورهاست. منتها آموزش هندسه رویکردهای متفاوتی دارد که موضوع بحث این مطلب نیست. در برنامه‌ی درسی ملی ایران نیز **هندسه و اندازه‌گیری** یکی از مفاهیم قلمرو حوزه‌ی ریاضیات است. در هندسه دانش‌آموزان علاوه بر آشنایی با شکل‌های مهم و شناخت ویژگی‌های آن‌ها، با ارتباط بین این شکل‌ها و موضوع‌هایی که به اندازه و اندازه‌گیری ارتباط دارند نیز آشنا می‌شوند. از همه مهم‌تر، هندسه بستر بسیار خوبی برای آشنایی و تمرین روی استدلال است. منتها رویکرد آموزشی جدید به استدلال، کاملاً با رویکردهای سنتی متفاوت است و به جای تعدد قضیه‌ها و نتایج، بر فرایند تفکر استدلالی تمرکز می‌کند.

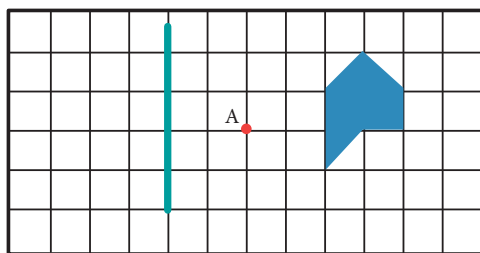
تقارن مرکزی چیست؟

یک نقطه را در صفحه در نظر بگیرید. اگر یک شکل در آن صفحه را نسبت به آن خط 180° درجه دوران دهیم، تصویر به دست آمده، شکلی است که با شکل اولیه هم‌نهشت است، ولی انگار سر و ته شده است.

به شکل به دست آمده، **قرینه‌ی مرکزی** شکل اصلی می‌گویند و به نقطه‌ای که دوران را نسبت به آن انجام داده‌ایم، مرکز تقارن می‌گویند. از آنجا که زاویه‌ی 180° درجه یک خط راست است، برای تقارن مرکزی، درواقع هر نقطه از شکل را به نقطه‌ی موردنظر وصل می‌کنیم و به همان اندازه ادامه می‌دهیم تا نقطه‌ی متناظر در شکل قرینه به دست آید.



تصویر ۵. شکل نارنجی قرینه‌ی شکل قرمز روی صفحه است



تصویر ۶. مراحل تقارن یک شکل نسبت به یک نقطه روی صفحه‌ی شطرنجی

درست مانند انتقال و تقارن محوری، گاهی شکلی ویژگی‌هایی دارد که با استفاده از آن‌ها، تقارن شکل نسبت به یک نقطه نیز راحت‌تر انجام می‌شود. برای نمونه:

● برای به دست آوردن تقارن یک پاره‌خط، کافی است تنها دو نقطه‌ی دو سر پاره‌خط را قرینه کنیم. بعد، آن دو نقطه‌ی جدید را به هم وصل کنیم. پاره‌خطی که به دست می‌آید، قرینه‌ی پاره‌خط اولیه است. شما این فهرست را با شکل‌های دیگری که می‌شناسید کامل کنید.

چگونه شکلی را در صفحه

نسبت به یک نقطه تقارن دهیم؟

مانند تقارن محوری، هم با استفاده از **کاغذ پوستی** و هم با استفاده از **کاغذ شطرنجی** می‌توانیم قرینه‌ی یک شکل را نسبت به یک نقطه در آن صفحه به دست بیاوریم. آیا می‌توانید مراحل کار را در هر روش بیان کنید؟ شکل مقابل را در صفحه‌ی شطرنجی نسبت به نقطه‌ی A قرینه کنید.

شکل‌های متقارن

شکل‌های زیر را ببینید. نظم‌ی در آن‌ها به چشمان می‌خورد که از جنس تقارن است: یک نیمه‌ی شکل درست مانند نیمه‌ی دیگر است؛ منتها یا پشت و رو شده‌ی آن است، یا سر و ته شده‌ی آن! در هندسه می‌گوییم این شکل‌ها متقارن هستند.

تصویر ۷ تقارن محوری دارد و **محور تقارن** آن در شکل مشخص شده است. یعنی اگر شکل را از روی آن خط تا کنیم، دو نیمه‌ی شکل کاملاً بر هم منطبق می‌شوند. تصویر ۸ تقارن مرکزی دارد؛ یعنی اگر شکل را دور نقطه‌ای که مشخص شده است 180° درجه بچرخانیم، شکل دوباره بر خودش منطبق می‌شود. این نقطه، **مرکز تقارن** شکل متقارن است.



کاشی‌کاری مسجد امام بروجرد / عکاس: حامد ترابی گودرزی

بعضی شکل‌ها مرکز تقارن دارند (یعنی شکل تقارن مرکزی دارد، مانند دایره، بیضی و مربع)، بعضی شکل‌ها نه! (مانند دوزنقه یا مثلث). بعضی شکل‌ها محور تقارن دارند (یعنی شکل تقارن محوری دارد، مانند دایره یا مستطیل یا مثلث متساوی‌الساقین)، بعضی شکل‌ها نه! (مانند متوازی‌الاضلاع یا مثلث مختلف‌الاضلاع). در تصویر ۹ شکل‌های متقارن را تعیین کنید و مرکز تقارن یا محور تقارن آن‌ها را بیابید. همان‌طور که می‌بینید، بعضی از شکل‌های متقارن، بیش از یک محور تقارن دارند، ولی قطعاً نمی‌شود شکلی دو مرکز تقارن داشته باشد.

تقارن در چندضلعی‌ها

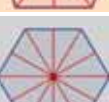
در جدول زیر، تقارن‌های چندضلعی‌های معروف را می‌بینید.

تصویر ۹. موزه ملی ملک / عکاس: ابراهیم سیسان



تقارن مرکزی	تعداد محور تقارن	شکل	
ندارد	۰		دوزنقه‌ی قائم‌الزاویه
ندارد	۱		دوزنقه‌ی متساوی‌الساقین
دارد	۰		متوازی‌الاضلاع
دارد	۲		مستطیل
دارد	۲		لوزی
دارد	۴		مربع
ندارد	۳		مثلث متساوی‌الاضلاع
ندارد	۱		مثلث متساوی‌الساقین

جدول زیر تقارن‌های چندضلعی‌های منتظم را نشان می‌دهد:

شکل	تعداد محور تقارن	تقارن مرکزی
	۳	ندارد
	۴	دارد
	۵	ندارد
	۶	دارد

شکل	تعداد محور تقارن	تقارن مرکزی
	۷	ندارد
	۸	دارد
...	...	...
n ضلعی منتظم	n	دارد
n زوج باشد		دارد
n فرد باشد		ندارد

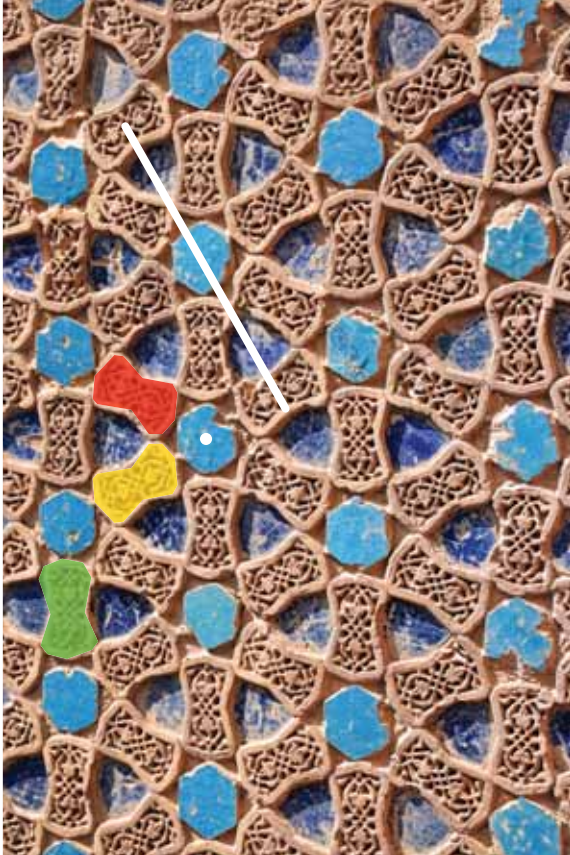
تقارن در کتاب‌های درسی ریاضی ابتدایی

در کتاب‌های درسی ابتدایی، تقارن محوری و تقارن مرکزی، بخش‌هایی از فصلی مشخص را در کتاب درسی پایه‌ی پنجم به خود اختصاص داده است. همچنین، یک بخش از کتاب پایه‌ی ششم به موضوع مرکز تقارن اختصاص داده شده و البته ردپای آن‌ها را در بعضی قسمت‌های کتاب‌های درسی ریاضی شش پایه می‌توان دید. خوب است معلمان توجه دانش‌آموزان را به وجود تقارن در شکل‌های کتاب درسی جلب کنند.

پایه	صفحه‌ی کتاب	موضوع و شرح آن
اول	۱ و ۳ و ۵۰ و ۹۱ و ۱۰۴ و ۱۰۹ و ۱۱۷ و ۱۲۵ و ۱۳۲ و ۱۳۹ و ۱۴۸ و ۱۶۲ و ۱۶۵ و ۱۷۵	تصویرهایی از شکل‌های متقارن (عمدتاً با تقارن محوری و چند شکل تا با تقارن مرکزی) مانند تصویرهای کاشیکاری ص ۵۰؛ و شکل‌های نامتقارن
	۶۸ و ۸۹ و ۹۸ و ...	خط‌های تقارن در شکل‌ها
دوم	۲ و ۱۵ و ۴۲ و ۴۷ و ۴۸ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۴ و ۶۶	در این صفحه‌ها شکل‌هایی هست که متقارن هستند و دانش‌آموز از نظر بصری با تقارن مواجه می‌شود؛ مانند شکل سمت راست قرمز رنگ (کار در کلاس). شکل سؤال ۵ ص ۱۵ (هم تقارن مرکزی و هم تقارن محوری دارد). تصویر نام محمد در ص ۴۲ تقارن مرکزی دارد.
	فصل ۳	هم شکل‌های متقارن هست و هم شکل‌های نامتقارن
	۱۱۱ و ۱۱۲	خط‌های تقارن در تقسیم‌بندی شکل‌ها به قسمت‌های مساوی، برای نشان دادن کسرهای
	۱۱۵ و ۱۱۹	رنگ‌آمیزی متقارن و نامتقارن تصویرها
سوم	۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۳ و ۴۷ و ۴۸ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۹ و ۶۱ و ۶۵ و ۷۴ و ...	در بعضی از تصویرهای این صفحه‌ها وجود تقارن یا نبود آن به چشم می‌آید؛ مانند تقارن محوری در الگوهای متقارن ص ۱۹ یا نقش تقارن در کار با قیچی ص ۲۳.
	۷۲	مشاهده‌ی تقارن در عده‌های جدول ضرب
چهارم	۲۷ و ۴۱ و ۱۱۹ و ۱۲۹	در بعضی از تصویرهای این صفحه‌ها وجود تقارن یا نبود آن به چشم می‌آید.
پنجم	۱۴ تا ۱۹ و ۴۶ و ۵۰	در بعضی از تصویرهای این صفحه‌ها وجود تقارن یا نبود آن به چشم می‌آید.
	۲۰	معما و سرگرمی درباره‌ی خط تقارن و شکل‌های متقارن
	فصل ۴	تقارن و چندضلعی‌ها شامل تقارن محوری و تقارن مرکزی
ششم	فصل ۴	تقارن و مختصات شامل مرکز تقارن و محور تقارن

اگر باز هم در این کتاب‌ها موضوع یا تصویر مرتبط با تقارن وجود دارد که در جدول ما نیامده است، شما جدول را کامل کنید. توجه کنید که «دوران» یا چرخش نیز یک تبدیل هندسی دیگر در صفحه است که در کتاب ریاضی پایه‌ی ششم معرفی شده است و باز هم تصویرهایی از شکل‌هایی که تقارن چرخشی دارند، در کتاب‌های ریاضی دیگر پایه‌ها دیده می‌شود.

مسئله



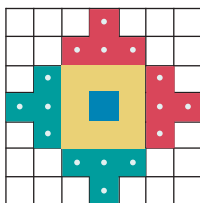
تصویر مربوط به مسئله‌های ۱ تا ۴ - مسجد جامع نطنز / عکاس: آوا نقوی
۶. آیا این تصویر تقارن مرکزی دارد؟ مرکز تقارن آن را مشخص کنید.



تصویر مربوط به مسئله‌ی ۶ - مسجد جامع ورامین / عکاس: غلامرضا بهرامی



تصویر مربوط به مسئله‌ی ۵ - مسجد جامع ورامین / عکاس: غلامرضا بهرامی



تصویر مربوط به مسئله‌ی ۷

۷. آیا تصویر مقابل با در نظر گرفتن رنگ آمیزی‌اش، محور تقارن دارد؟ اگر پاسخ مثبت است، خط تقارن را مشخص کنید و اگر پاسخ منفی است، با تغییر رنگ کدام خانه‌ها شکل متقارن می‌شود؟ سعی کنید کمترین تعداد تغییر را بدهید.

منبع

۱. درباره‌ی هندسه بیشتر بدانیم. کتاب دانش‌افزایی موضوعی برای معلم. نوشته‌ی زهره پندی، فائزه شیخ‌علیان، مهدخت نقیبی بیدختی. انتشارات مدرسه‌ی برهان. در دست انتشار.



برای دریافت فایل پاسخ مسئله‌ها،
بارکد مقابل را اسکن کنید.

در ریاضیات مدرسه‌ای، فعالیت‌های آموزشی باید از ریاضیات محیط پیرامون برخاسته باشد و به دانش‌آموزان کمک کند مفاهیم و گزاره‌های ریاضی را در محیط پیرامونی خود مشاهده، تجزیه، تحلیل و درک کنند و برای مفاهیم ریاضی در محیط پیرامونی تعبیرهای گوناگون به دست آورند (برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۴).



از مصرف به تولید!

نکته‌هایی درباره‌ی پرورش ذوق ادبی کودکان

قصه‌ها می‌توانند احساسات و عواطف مخاطبان خود را برانگیزند و باورهای آن‌ها را شکل دهند. در این باب سخنان بسیاری گفته شده است. از جمله، پرنو بتلهایم^۱، روانشناس و نویسنده‌ی اتریشی، در کتاب «افسون افسانه‌ها» آورده است:

- داستان‌های بزرگ، انسان‌های بزرگ می‌پرورند.
 - با داستان می‌توان عواطف انسانی را در جهت خاصی هدایت کرد.
 - بدون تخیلات امیدبخش، ما برای مقابله با شوربختی‌های زندگی توان کافی نخواهیم داشت. کودکی دورانی است که باید این تخیلات در آن تغذیه شوند.
 - بسیاری از جوانانی که امروز به رؤیاهای انگیزنده از مواد مخدر پناه می‌برند، و به طالع‌بینی و خیال‌بافی روی می‌آورند، پیش از موقع وادار شده‌اند واقعیات را به طریق بزرگ‌ترها ببینند.
- کلیدواژه‌ها:** قصه، پرورش ادبی، نوشتن

را بشناسند و باور کنند.

می‌گویند روزی یک نفر نزد هنرمندی چیره‌دست رفت و گفت: حاضر بودم تمام عمرم را بدهم تا بتوانم مثل شما باشم. استاد لبخندی زد و گفت: من هم همین کار را کرده‌ام!

واقعیت این است که رسیدن به کمال در هر هنری، از جمله هنر نوشتن، نیازمند تمرین و صرف وقت بسیار است. اما به هر حال باید از جایی آغاز شود. به عنوان معلم، شاید فرصت نکنیم تمام ظرایف نوشتن را به دانش‌آموزان یاد بدهیم و حتی ممکن است خود ما نیز نیازمند ممارست و تلاش بیشتری در این زمینه باشیم. اما شاید بتوانیم با کمی دقت و حوصله، شعله‌ی اشتیاق را در شاگردان خود روشن کنیم و شیرینی نوشتن و جادوی کلمات را به آن‌ها بچشانیم. در ادامه، با توصیه‌هایی برای ایجاد تلنگر در دانش‌آموزان آشنا می‌شوید:

۱. ترغیب به تفکر و ایده‌پردازی

اولین گام برای نوشتن، انتخاب موضوع و سوژه‌ی مناسب است. شما می‌توانید با تدارک فعالیت‌هایی، دانش‌آموزان را به ایده‌یابی و پرورش دادن ایده ترغیب کنید. مثلاً می‌توانید از آن‌ها بخواهید فهرستی از مشکلات اجتماعی و علل آن تهیه و درباره‌ی راه‌حل آن‌ها بحث کنند. مسائلی مانند نظم و وقت‌شناسی، رعایت قانون و مصرف درست و کمک به اقتصاد خانواده می‌توانند از جمله محورهای بحث باشند.

ایده‌ی جذاب دیگر این است که در هر نوبت سه یا چهار کلمه

بتلهایم با این سخنان توضیح می‌دهد که قصه‌ها در یکپارچه‌سازی شخصیت کودکان چه تأثیری دارند؛ روان‌شناسان شخصیت انسان را به سه بخش «نهاد»، «من» و «برمن» تقسیم می‌کنند. انسان یک ضمیر آگاه یا همان «نهاد» دارد که فعالیت‌های روزمره‌ی فرد را رقم می‌زند. یک ضمیر ناخودآگاه دارد که مثل اقیانوسی پنهان، خاستگاه تمام رفتارها و اندیشه‌های فرد است و «برمن» نامیده می‌شود و یک سیستم عامل یا همان «من» که ارتباط بین این دو را برقرار می‌کند. بتلهایم اشاره می‌کند که افسانه‌ها و داستان‌ها می‌توانند این سه بخش شخصیت را به یکپارچگی برسانند و بین آن‌ها ارتباط و انسجام برقرار کنند.

نکته‌ی خیلی مهم این است که تأثیر قصه و داستان بر مخاطب از خردسالی به بزرگسالی رفته‌رفته کمتر می‌شود. طلایی‌ترین فرصت تأثیرگذاری داستان بر مخاطب، دوران خردسالی است. علتش هم این است که سه بخش شخصیت (نهاد، من و برمن) در کودک هنوز کاملاً تفکیک نشده‌اند. کودک جویبار جاری در قصه را جان‌دار می‌بیند. حتی تصویرهای دو بعدی از نگاه کودک جان‌دارند. به همین دلیل، اثربخشی قصه‌ها در این دوران فوق‌العاده است. بدیهی است کودکی که طعم قصه‌های خوب را چشیده باشد، در آینده تمایل بیشتری برای بازتولید آنچه مصرف کننده‌اش بوده، خواهد داشت. ایجاد اشتیاق و خواندن قصه‌های جذاب برای کودکان، اگر چه لازم است، اما کافی نیست. برای رشد قریحه و ذوق ادبی کودکان باید در ابتدای راه دستشان را گرفت و مدتی پایه‌پا برد تا نیروی خلاقیت خود



مشارکت و درگیری ذهنی با موضوع بحث، اعتماد به نفس بچه‌ها را برای دست‌به‌قلم شدن بالا می‌برد.

۳. چکیده‌نویسی

برای اینکه دانش‌آموزانتان نویسندگان بهتری شوند، می‌توانید به آن‌ها یاد دهید چطور چکیده‌ی مطلب را از یک نوشته استخراج کنند. در حین چکیده‌نویسی، بچه‌ها سعی می‌کنند موضوعات پیچیده را ساده‌تر بیان کنند. این تمرین باعث می‌شود یاد بگیرند چطور معکوس عمل کنند و به ایده‌ای ساده شاخ و برگ بدهند. برای این کار، مقالاتی در اختیار دانش‌آموزان بگذارید و بعد از اینکه چکیده‌ی آن را نوشتند، جلسه‌ی نقد و بررسی ترتیب دهید و از آن‌ها بخواهید درباره‌ی رسا بودن چکیده‌های هم‌کلاسی‌هایشان نظر بدهند و بحث کنند.

۴. باز خورد دادن

از دانش‌آموزان بخواهید نوشته‌های همدیگر را نقد و بررسی کنند و به همدیگر بازخورد بدهند. لازم است معیارهایی در اختیارشان بگذارید تا از سازنده بودن انتقادهایشان مطمئن شوند. روان بودن نثر، رعایت نکات دستوری، پرداختن به جنبه‌های گوناگون بحث و نتیجه‌گیری خوب، می‌توانند از جمله‌ی این معیارها باشند. به این ترتیب، بچه‌ها نقاط قوت و ضعف کارهایشان را مرور می‌کنند و نه تنها از هم‌کلاسی‌هایشان یاد می‌گیرند، بلکه اهمیت بحث و گفت‌وگو را برای پخته‌تر شدن بحث‌ها به خوبی درک می‌کنند.

۵. تأکید بر اهمیت نوشتن

لازم است با گوشزد کردن اهمیت نوشتن، دانش‌آموزانتان را تحت تأثیر قرار دهید. برایشان نمونه‌هایی از حکایت‌های متون کهن فارسی، همچون کلیله و دمنه، هزار و یک شب و جوامع‌الحکایات و داستان‌های کوتاه بخوانید و یادشان دهید با تغییر زاویه‌ی دید، آن‌ها را بازنویسی کنند. یعنی اگر راوی اول شخص است، به صورت دانای کل بنویسند و برعکس. همچنین، یادآوری کنید چگونه خوب نوشتن می‌تواند در آینده فرصت‌های شغلی بهتری برایشان فراهم کند و آنان را به عضو مفیدتری در کارشان بدل کند.

نوشتن مهارتی است که در طول زمان رشد می‌کند. به همین دلیل است که معلمان باید دانش‌آموزان خود را به تمرین مستمر فتون نویسندگی ترغیب کنند. جدی گرفتن این روش‌ها و عمل به آن‌ها می‌تواند از دانش‌آموزان شما نویسندگانی مایه‌ی مباحثات بسازد.

پی‌نوشت

1. Bruno Bettelheim

در اختیار بچه‌ها بگذارید و بخواهید با استفاده از آن‌ها یک جمله یا پاراگراف بنویسند. مثلاً ممکن است دانش‌آموزی با استفاده از کلمات خروس، پرواز، نردبان و درخت، چنین چیزی نوشته باشد: خروسی در یک مزرعه زندگی می‌کرد. یک روز با دیدن کلاغ‌ها در آسمان، به فکر پرواز افتاد. اما هر چه بال‌بال زد، فایده‌ای نداشت. برای همین تصمیم گرفت برود بالای درخت و از آنجا بپرد. بالا رفتن از درخت کار راحتی نبود. ناگهان چشمش افتاد به نردبانی که به دیوار تکیه داده شده بود. هی جست زد و از پله‌های نردبان یکی یکی بالا رفت و خودش را به پشت‌بام رساند. وقتی از آن بالا به پایین نگاه کرد، حسایی ترسید و به طرف نردبان برگشت. اما از نردبان خبری نبود! همچنین، می‌توانید قصه‌ای ناتمام را در کلاس بخوانید و از بچه‌ها بخواهید پایان آن را خیال کنند و بنویسند.

۲. ایجاد فضای مشارکت

نوشتن نوعی تلاش فردی است، اما دانش‌آموزانی که تازه می‌خواهند تاتی تاتی کنند و گام‌های اول را بردارند، به کمک شما نیاز دارند. از آن‌ها بخواهید بعد از اینکه موضوع بحث را مشخص کردند، به کمک همدیگر درباره‌اش انشا بنویسند. قبل از نوشتن، می‌توانید آن‌ها را با ساختار مقاله آشنا کنید. اهمیت آوردن مدارک و آمار و تصویر و غیره را برای جذاب‌تر و کامل‌تر شدن مقاله، به آنان یادآوری کنید. همچنین، می‌توانید مقاله‌هایی از نشریه‌های کودکان و نوجوانان انتخاب کنید و با بررسی روش آن‌ها در پرداختن به موضوع و ساختار آن، دانش‌آموزان را با الگوهای عملی آشنا سازید. این نوع



۳۶ فعالیت نگارشی برای تقویت انشانویسی
در دوره‌ی دوم ابتدایی (قسمت دوم)

اگر نامرئی می‌شدم ...

در شماره‌ی قبل نوشتیم در کتاب‌های نگارش فارسی ابتدایی فعالیت‌هایی پیش‌بینی شده‌اند که انجام آن‌ها برای انشانویسی دانش‌آموزان مفید است. گاه دیده می‌شود، دانش‌آموزان علاقه دارند بیشتر بنویسند و به دنبال موضوع‌های جدیدتری هستند. فعالیت‌هایی که در هر شماره از نشریه‌ی رشد آموزش ابتدایی چاپ می‌شود، برای این دسته از دانش‌آموزان و نیز معلمانی که بخواهند تنوعی در کلاس نگارش ایجاد کنند، به کار می‌آید.

در زنگ نگارش بچه‌ها نیاز دارند از قالب‌های روزمره و تکراری فاصله بگیرند و با موضوع‌های نو دست و پنجه نرم کنند. شاید نوشتن انشا بیشتر از آنچه به دایره‌ی واژگان بچه‌ها بستگی داشته باشد، به موضوع‌هایی که تعیین می‌شود مرتبط باشد. یکی از گلایه‌های برخی همکاران این است که دایره‌ی لغات بچه‌ها کم است و در نتیجه نمی‌توانند بنویسند. در مقابل، نظر دیگری هم وجود دارد که می‌گوید، اگر موضوع محرک نوشتن باشد، گنجینه‌های واژگانی پنهان بچه‌ها را آشکار خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: انشانویسی، تخیل

۴. فرض کنید

بازی فرض کنید در ادامه‌ی فعالیت شماره‌ی ۳ است که به تقویت تخیل بچه‌ها کمک می‌کند. در یکی از مدرسه‌ها با این سؤال مواجه شدم که آیا این همه تأکید بر تخیل، بچه‌ها را از واقعیت دور نمی‌کند؟ و آیا اساساً از نظر اخلاقی وارد حوزه‌ی دروغ‌گویی نمی‌شوند؟ در پاسخ به سؤال اول عرض کردم، بچه‌ها به اندازه‌ی کافی غرق واقعیت هستند. اجازه دهیم کمی این پوسته را بشکنند و وارد عرصه‌های دیگر شوند. درواقع، این تخیل افراد بوده که به کشف و اختراع هزاران پدیده‌ی نو انجامیده است. اگر کسی تخیل نمی‌کرد که چگونه می‌شود شب هم مثل روز روشن باشد، هرگز لامپ اختراع نمی‌شد. یا اگر تخیل نمی‌شد که چگونه می‌شود مثل پرنده پرواز کرد، هواپیما در همان شکل ابتدایی‌اش اختراع نمی‌شد. بنابراین، دامن زدن به تخیل، به رشد کودک و جامعه می‌انجامد. در پاسخ به سؤال دوم عرض کردم، دروغ به قصد گمراه کردن دیگران گفته می‌شود، حال آنکه با تخیل گونه‌های دیگر یک موضوع دیده می‌شود و قصد پیشرفت در آن هست تا قصد گمراه کردن دیگران. از بچه‌ها می‌خواهیم درباره‌ی یکی از موضوع‌های زیر انشا بنویسند:

۱. فرض کنید به جای دو پا سه پا داشتیم ...

۲. فرض کنید همیشه روز بود ...

۳. فرض کنید همیشه شب بود ...

۴. فرض کنید آب گرم وجود نداشت ...

۵. فرض کنید باران از زمین به آسمان پرتاب می‌شد ...

در این شماره موضوع‌هایی پیشنهاد شده‌اند که با تخیل و واژگان نهفته‌ی بچه‌ها ارتباط می‌گیرند و آنان را برای بیشتر و بهتر نوشتن آماده می‌کنند. اگر در خاطرتان باشد، در شماره‌ی قبل، تمرین‌هایی دادیم که با «اگر...» شروع شده بودند و آنان را وارد فضای جدیدی برای نوشتن می‌کرد و از موضوع‌های عادی و روزمره کمی فاصله گرفته بود. دامنه‌ی تخیل بسیار گسترده است و هر اندازه به آن بپردازیم، باز هم تازگی دارد. تمرین‌های پیشنهادی این شماره، دست آموزگار را باز می‌گذارند تا با تنوع موضوع به کلاس وارد شود. باز هم تأکید می‌شود، نیاز نیست در زنگ انشا یک موضوع بدهیم و انتظار داشته باشیم همه درباره‌اش بنویسند. می‌توان و حتی بهتر است به تعداد دانش‌آموزان موضوع بدهیم تا هر دانش‌آموزی با هر موضوعی ارتباط بهتری گرفت، درباره‌ی آن بنویسد. کافی است این موضوع‌ها را با خود داشته باشیم و در کلاس در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم.



۴ چه شباهتی بین ... و ... می‌بینید؟

۶. ارتباط اجباری بین کلمات ناهمگون یا جمله‌سازی با کلمات بی‌ربط

تعدادی کلمه‌ی بی‌ارتباط به بچه‌ها بدهید و بخواهید آن‌ها را در یک جمله به کار ببرند. (توضیح دهید که جمله تنها یک فعل داشته باشد). برای مثال، با کلمات زیر جمله بسازند:

۴ کبوتر، تلفن، هواپیما، ناراحتی، سوزن
 ۴ دریا، بی‌سیم، کاغذ، درخت، فشنگ
 ۴ پدر، دستمال کاغذی، گاری، تشک، ابر
 ۴ شماره تلفن، بوق، اتوبوس، پرواز، زمستان
 بپرسید، اکنون یکی از جمله‌هایی را که نوشته‌اید در ابتدای انشای خود قرار دهید و درباره‌اش یک بند بنویسید.

۷. گفت‌وگو

۴ گفت‌وگوی یک گاو با یک قناری را بنویسید.
 ۴ گفت‌وگوی ماهی با خورشید را بنویسید.
 ۴ گفت‌وگوی برگ درخت با یک ماشین را بنویسید.

۸. یادآوری

با خواندن هر کلمه، یاد چه چیزهایی می‌افتید؟ حداقل پنج کلمه را بنویسید:

۴ گوشی:
 ۴ شامپو:
 ۴ دریا:
 ۴ موز:
 ۴ قرص:
 ۴ زنبور:

اکنون به انتخاب خود، ده کلمه از آنچه را به یاد آورده‌اید انتخاب کنید و آن را در یک انشای دویندی به کار ببرید.

۹. شبیه چیست؟

این کلمه‌ها شبیه چه چیزی هستند؟ حداقل پنج مورد را بنویسید.

۴ لیوان
 ۴ هندوانه
 ۴ خودکار
 ۴ کف دست
 ۴ چغندر
 اکنون یکی از موارد بالا را به همراه شباهت‌هایش در یک بند به کار بگیرید و درباره‌اش بنویس.

۵. شباهت‌ها و تفاوت‌ها

۴ چه شباهتی بین سیم برق و پرتقال وجود دارد؟
 ۴ چه تفاوتی بین آب و سیب‌زمینی می‌بینید؟
 ۴ چه شباهتی بین آهن‌ربا و چوب می‌بینید؟
 ۴ چه تفاوتی بین رنگ صورتی و گوسفند می‌بینید؟
 ۴ چه شباهتی بین سگ و رایانه‌ی کیفی می‌بینید؟

معلم مصلح

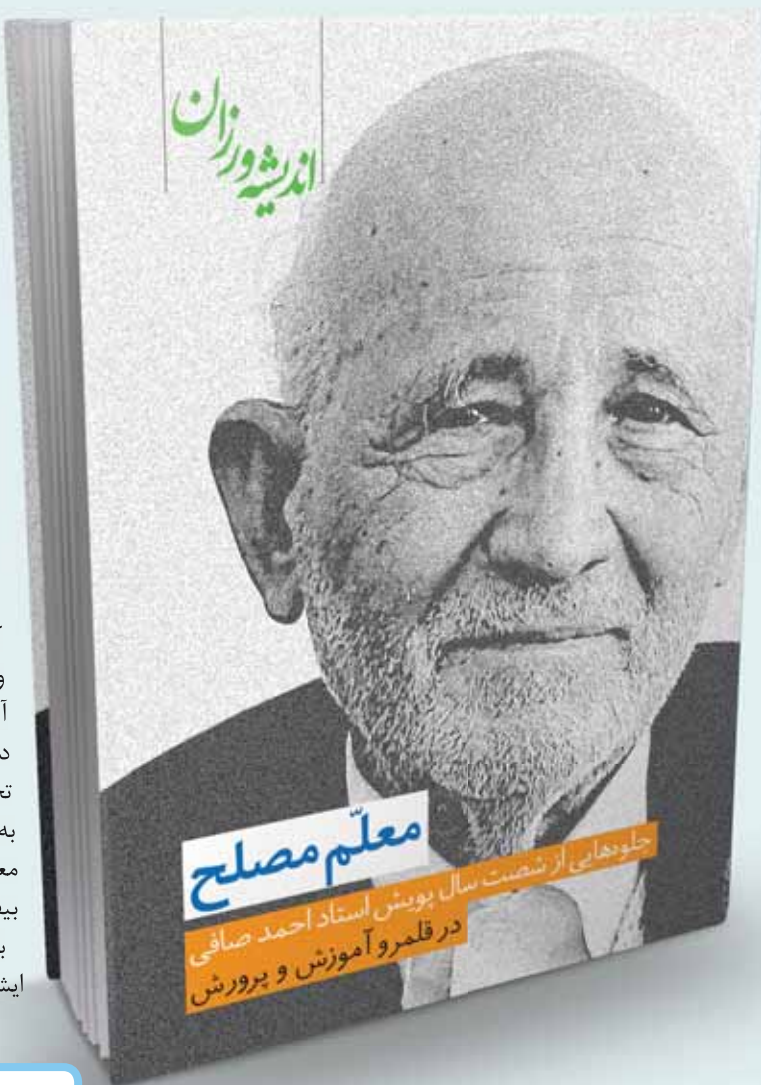
مجموعه‌ای اندیشه‌ورزان که شناخت و معرفی تعدادی از چهره‌های خدمتگزار و پرتلاش آموزش و پرورش ایران در زمان حاضر را وجهه‌ی همت خود قرار داده است، می‌کوشد از همین طریق، تجربه‌ی زیسته‌ی این چهره‌ها را به جامعه‌ی تعلیم و تربیت، به‌ویژه فرهیختگان این جامعه، عرضه کند.

این کتاب به بازشناسی شخصیت، اندیشه، تجربه‌ها و کارکردهای یک عمر تلاش و تکاپوی آموزشی، فرهنگی و تربیتی استاد احمد صافی، و در یک کلمه، به «تجربه‌ی زیسته‌ی» ایشان اختصاص یافته است.

کتاب در سه بخش به رشته‌ی تحریر درآمده است. در بخش اول کتاب با عنوان «ترکه‌های درخت آلبالو»، ناصر طاهرنیا داستان زندگی استاد را روایت می‌کند. در بخش دوم با نام «اندیشه‌های تربیتی»، تجربه‌های استاد در عرصه‌های علمی و عملی در قالب سه گفت‌وگو آمده‌اند. در گفت‌وگوی اول محورهای متعددی از جمله ضرورت و سابقه‌ی تربیت معلم در ایران، نقش دانش‌سراهای مقدماتی در تربیت معلم، تأسیس دارالمعلمین، دانش معلمی، روش‌های معلمی، ضرورت تحول در نگاه به تربیت معلم، چشم‌انداز دانشگاه فرهنگیان و چند موضوع دیگر مورد بحث قرار گرفته‌اند.

محور گفت‌وگوی دوم مشاوره‌ی تحصیلی است. از آنجا که استاد صافی در طول بیش از نیم‌قرن از نزدیک شاهد و ناظر و حتی مجری تحولات صورت گرفته در نظام آموزشی ایران بوده و دست‌کم دو تحول دهه‌ی ۴۰ و دهه‌ی ۷۰ را از سر گذرانده است و اکنون نیز شاهد فرایند تحول بنیادین در دهه‌ی ۹۰ است، موضوع گفت‌وگوی سوم به تحول اختصاص داده شده است تا بدین طریق بر آگاهی معلمان و کارشناسان و دیگر صاحب‌نظران در این زمینه بیفزاید.

بخش سوم کتاب هم به معرفی مکتوبات و آثار تألیفی ایشان می‌پردازد.



این کتاب از تلاش همدلانه‌ی جمعی از دوستان و همکارانی فراهم آمده است که یا خود زمانی همکار استاد صافی بوده‌اند، یا در محضر ایشان شاگردی کرده‌اند و یا از رهگذر مطالعه‌ی آثار ایشان به ابعاد شخصیت استاد پی برده‌اند. با تشکر از این جمع، امیدواریم کتاب به درستی بازتاب «تجربه‌ی زیسته‌ی» استاد احمد صافی و رهنمونی باشد برای معلمان و استادانی که به اصلاح آموزش و پرورش ما می‌اندیشند.

نویسنده و گردآورنده: ناصر طاهرنیا

ناشر: شرکت افست

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان



قند و پند پارسی چرخ مسافر ز بهر ماست

حکیم ناصر خسرو علوی قبادیانی (۴۸۱-۳۹۴ ه.ق)، در نثر و در شعر، بر زبان فارسی حق بزرگی دارد. در میان آثار منشور او سفرنامه، از نظر نثر فارسی، جایگاهی ممتاز دارد. چه، با وجود گذشت نزدیک به هزار سال از پیدایش آن، به راحتی و سادگی خوانده می شود؛ و این جدای از محتوای سفرنامه است که ترسیم زیبا و گزارشی دلپذیر از زندگی در جهان اسلام - و از جمله ایران - در آن عصر است.

سفرنامه نسبت به آثار دیگر ناصر خسرو که همه از آثار دینی و فلسفی شیعیان اسماعیلی به شمار می روند، بسیار دیر شناخته شد. نخستین بار در حدود ۱۵۰ سال پیش یک خاورشناس انگلیسی آن را کشف کرد. بدین ترتیب سفرنامه به جرگه ی متون ارجمند زبان فارسی پیوست و در اختیار فارسی زبانان قرار گرفت. این سفرنامه شرح موجز و مختصر ناصر خسرو از سفر هفت ساله ی اوست که از مرو آغاز و به سفر حج و سپس بازگشت از آن ختم می شود. شما را به خواندن پاره هایی از سفرنامه و سپس دو قطعه شعر از این حکیم دوران ساز دعوت می کنیم.

É به سمنان آمدم و آنجا مدتی مقام کردم و طلب اهل علم کردم. مردی نشان دادند که او را استاد علی نسائی می گفتند. نزدیک وی شدم. مردی جوان بود. سخن به زبان فارسی همی گفت، به زبان اهل دیلم، و موی گشوده و جمعی نزد وی حاضر.

É ... و در تبریز قطران نام شاعری را دیدم. شعری نیک می گفت، اما زبان فارسی نیکو نمی دانست. پیش من آمد. دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود، از من بپرسید.

É ... در معرة التّعمان... در آن شهر مردی بود که او را ابوالعلاء معری می گفتند. نابینا بود و رئیس شهر او بود. نعمتی بسیار داشت و بندگان و کارگزاران فراوان. و این مرد در شعر و ادب به درجه ای است که افاضل^۱ شام و مغرب و عراق مقرّند^۲ که در این عصر کسی به پایه ی او نبوده و نیست.

É ... بیت المقدس را اهل شام و آن طرف ها قدس گویند و از اهل



عقاب

روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست
از بهر طمع بال و پر خویش بیاراست
بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت
امروز همه روی زمین زیر پر ماست
گر اوج بگیرم پیرم از نظر شید^۱
می‌بینم اگر ذره‌ای اندر تک^۲ دریاست
گر بر سر خاشاک یکی پشه، بجند
جنبیدن آن پشه عیان در نظر ماست
بسیار منی^۳ کرد و ز تقدیر نترسید
بنگر که از این چرخ جفاپیشه چه برخاست
ناگه ز کمینگاه یکی سخت‌کمائی
تیری ز قضا و قدر انداخت بر او راست
بر بال عقاب آمده آن تیر جگردوز
وز ابر مر او را به سوی خاک فروکاست^۴
بر خاک بیفتاد و بغلطید چو ماهی
و آنگاه پر خویش کشید از چپ و از راست
گفتا عجب است اینکه ز چوبست و ز آهن
این تیزی و تندى و پریدنش کجا خاست
زی تیر نگه کرد و پر خویش بر او دید
گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست
حجت تو منی را ز سر خویش به در کن
بنگر به عقابی که منی کرد چه‌ها خواست

۱. خورشید
۲. ته، عمق

۳. خودستایی
۴. پایین کشید

آمد، که او را بر سلطان رسمی بود، و هر سال به وی دادی. از آنکه خویشاوندی از فرزندان حسین بن علی علیه‌السلام داشت.

● ... اصفهان شهری است بر هامون^۶ نهاده. آب و هوایی خوش دارد و هرجا که ده گز فرو برند، آبی سرد خوش بیرون آید. و در میان شهر، مسجد آدینه‌ی بزرگ نیکو. و باروی شهر را گفتند سه فرسنگ‌ونیم است و اندرون شهر همه آبادان.

● ... آن مرد گیلکی مرا حکایت کرد که وقتی ما از تون به گناباد^۷ می‌رفتیم، دزدان بیرون آمدند و بر ما غلبه کردند. چند نفر از بیم خود را در چاه کاریز^۸ افکندند. بعد از آن، از آن جماعت یکی را پدری مشفق بود. بیامد و یکی را به مزد گرفت و در آن چاه گذاشت تا پسر او را بیرون بیاورد. چندان ریسمان و رسن^۹ که آن جماعت داشتند، حاضر کردند. هفتصد گز رسن فرو رفت تا آن مرد به بن چاه رسید و ... *

● ... و آن روز... بعد از آنکه هیچ امید نداشتیم و به دفعات در وقایع مهلهکه افتاده بودیم، به شهر بلخ رسیدیم و حسب حال این سه بیت گفتیم:

رنج و عنای^{۱۰} جهان اگرچه دراز است
با بد و با نیک به گمان به سر آید
چرخ مسافر ز بهر ماست شب و روز
هرچه یکی رفت بر اثر دگر آید
ما سفر برگزشتنی^{۱۱} گذرانیم
تا سفر ناگزشتنی^{۱۲} به در آید.

۸. قنات؛ این قنات تا امروز وجود دارد و پر آب است. قدمت آن به بیش از ۲۰۰۰ سال می‌رسد.
۹. طناب
۱۰. سختی
۱۱. سفر دنیوی و موقت
۱۲. سفر اخروی و ابدی

پی‌نوشت‌ها
۱. دانشمندان و ادیبان
۲. اقرار دارند
۳. حصار
۴. طبقه
۵. برگشتن
۶. دشت
۷. گناباد

درخت دانش

نکوهش مکن چرخ نیلوفری^۱ را
برون کن ز سر باد خیره‌سری^۲ را
بری^۳ دان ز افعال چرخ برین را
نشاید ز دانش نکوهش بری را
چو تو خود کنی اختر^۴ خویش را بد
مدار از فلک چشم نیک‌اختری را
به چهره، شدن چون پری^۵ کی توانی؟
به افعال مانده شو مر پری را
درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را
پیمبر بدان داد^۶ مر علم حق را

آن ولایت، کسی که به حج نتواند رفتن، در همان موسم به قدس حاضر شود و به موقف بایستد.

é ... و چون از در این مسجد بگذری، مسجدی دیگر است عظیم، نیکو، بزرگ‌تر از مسجد مهد عیسی و آن را مسجد الاقصا گویند و آن آن است که خدای عزوجل، **مصطفی** صل الله علیه و آله وسلم را شب معراج از مکه آنجا آورد و از آنجا به آسمان شد!

é ... قاهره پنج دروازه دارد. و شهر بارو^۲ ندارد که بناها چنان مرتفع است که از بارو قوی‌تر و عالی‌تر است. و بیشتر عمارات پنج اشکوب^۴ و شش اشکوب باشد. و آب خوردنی از نیل باشد.

é ... یک‌شنبه ششم ذی‌الحجه به مکه رسیدیم. به باب‌الصفا فرود آمدیم. روز چهارشنبه به یاری حق، سبحانه و تعالی، به عرفات حج بگزاردیم و دو روز به مکه بودیم.

é ... و من چون حج بکردم، باز به جانب مصر برفتم که کتب داشتیم آنجا و نیت بازآمدن^۵ نداشتیم. و امیر مدینه آن سال به مصر

که شایسته دیدش مر این مهتری را
اگر شاعری را تو پیشه گرفتی
یکی نیز بگرفت خنیاگری را
صفت چند گویی ز شمشاد و لاله
رخ چون مه و زلفک عنبری را؟
به علم و به گوهر کنی مدحت^۷ آن را
که مایه است مر جهل و بدگوهری را
بسند است با زهد عمار و بوذر
کند مدح محمود^۸ مر عنصری^۹ را؟
من آنم که در پای خوکان نیزم
مر این قیمتی در لفظ دری^{۱۰} را * *

پی نوشت ها
۱. روزگار، دنیا
۲. تکبر و خودخواهی
۳. بی گناه
۴. بخت و سرنوشت
۵. فرشته

۶. بدان جهت
۷. مدح
۸. محمود غزنوی
۹. شاعر عصر محمود غزنوی
۱۰. زبان فارسی

باغ موزهی زبان فارسی دکتر حسن حبیبی



زبان فارسی کنونی از آن
همه‌ی ایرانیان در طول
تاریخ هزار و چندصدساله‌ی
آن است. این زبان سینه
به سینه به صورت مشاع به
ایرانیان معاصر به میراث
رسیده است. تک تک ایرانیان
مالک این زبان‌اند و به اندازه‌ی
هم می‌توانند از این مالکیت
بهره بگیرند؛ مالکیتی که
محترم‌ترین و مشروع‌ترین و
دلنشین‌ترین مالکیت از انواع مالکیت‌ها در سراسر جهان است و
هیچ کس، با هیچ قدرتی، حق ندارد این مالکیت را از دارنده‌ی آن
سلب کند. احترام به این مالکیت و موضوع آن، یعنی زبان فارسی،
احترام به تک تک شهروندان و احترام به یکی از حقوق خدشه‌ناپذیر
آن‌هاست. البته در این مالکیت مشاع در طول تاریخ هر یک از
صاحبان ملک، با اجازه‌ی صریح جمع دیگری از مالکان یا با اجازه‌ی
ضمنی آن‌ها، بر مبنای علل و دلایل گوناگون، از قبیل دانشمندی
و لغت‌شناسی و شاعری و نویسندگی و زبان‌آوری و زبان‌شناسی و
مانند این‌ها، دست‌کاری‌های مطلوبی کرده و بر دارایی‌های باغ‌موزه
و سرسبزی و خرمی آن افزوده‌اند.
فردوسی کاخ بلندی را در این باغ پی افکنده است، نظامی با

جادوسخنی خود، سحر حلال را در زبان فارسی به نمایش گذاشته
است، سعدی با فضل و بلاغت خود صیت سخن فارسی خویش را
در بسیط زمین برده است و حافظ در این زبان حدیث سحر فریب
خوش خویش را سروده و تا حد چین و مصر و به اطراف روم و
ری رسانده و برای طوطیان هند قند پارسی زبان را فرستاده است.
جلال‌الدین مولوی با این زبان عرفان را به گستردگی دنیا پراکنده
است و ادیبان دیگر چه کارهای معجزه‌آسا که نکرده‌اند:

تا نگویی سخنوران مردند
سر به آب سخن فرو بردند
بعد صد سال نامشان خواهی
سر بر آرند از آب چون ماهی

وظیفه‌ی زبان، که از آغاز زندگی هر فرد وارد عمل می‌شود،
ساختن شخصیت انسانی اوست. زبان نزدیک‌ترین، قوی‌ترین،
کارآمدترین، مطمئن‌ترین و صادق‌ترین وسیله‌ی ارتباط شخص با
خود اوست. با زبان، به‌ویژه زبان مادری، آدمی با خاطرات خود و علم
و آگاهی‌های خویش ارتباط می‌یابد. به وسیله‌ی آن علم و آگاهی
جدید را کسب می‌کند، از طریق و به وسیله‌ی آن می‌اندیشد و میان
مفاهیم مختلف ارتباط برقرار می‌نماید و داوری می‌کند و تصمیم
به اقدام و عمل می‌گیرد. آدمی با «حدیث نفس» و «گفت‌وگوی
درونی» تقریباً مداوم زندگی می‌کند و وجود و هویت مشخص خود
را می‌سازد. بدین ترتیب، زبان سامان‌ده هویت تک‌تک افراد، و در
ایران، زبان فارسی هویت‌بخش هر یک از ایرانیان فارسی‌زبان و
فارسی‌دانان و در نتیجه همه‌ی آن‌هاست.

بنابراین، در خصوص مراقبت و حفاظت از زبان فارسی، به‌عنوان
عامل هویت‌بخش ایرانیان، به هیچ‌وجه کوتاهی روا نیست.
علم و آگاهی و تجربه و عواطف و احساسات و نفسانیات
نگاهداری شده در ادب و فرهنگ گذشته‌ی ما از طریق زبان فارسی
به ما رسیده است. وسیله‌ی ارتباط کنونی ما و وسیله‌ی گفت‌وگوی
خاموش ما از طریق گفت‌وگوی درونی «من» با «ما» و با «دیگری»
و نیز با کل جامعه‌ی ایرانی در سراسر جهان، به‌عنوان یک «ما»
فراگیر است؛ گفت‌وگویی که بدون مانع و رادعی از قبیل مرز و
مسافت و پیری و جوانی و حتی دوستی و دشمنی به کرسی
می‌نشیند. * * *

منابع

* سفرنامه‌ی ناصر خسرو قبادیانی، به کوشش نادر وزین‌پور، تهران، ۱۳۷۰.
* دیوان ناصر خسرو قبادیانی، تصحیح سید نصرالله تقوی، انتشارات
سنایی، ۱۳۸۹.
* * * زندگی و خدمات دکتر حسن حبیبی، انجمن آثار و مفاخر
فرهنگی، ۱۳۹۵.



کتاب درسی از نگاه کوچک تا بزرگ کتابی که می‌خوانیم!

یکی از اجزا و عناصر اصلی مدرسه، کتاب درسی است. کتاب درسی در واقع شامل محتوایی آموزشی است که در مدرسه، به‌عنوان متن رسمی یاددهی - یادگیری تدریس می‌شود. این متن که تقریباً تمام ساعت‌های آموزشی دانش‌آموزان را در دبستان تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، چه اندازه جذابیت دارد؟ چه مواردی را در بر می‌گیرد و چه مواردی را باید پوشش دهد؟

کتاب درسی از نظر بچه‌ها

دانش‌آموز پایه‌ی اول دبستان: پنج تا کتاب داریم. من که خودم بلد نیستم بخوانمشان. می‌خواهم باسواد شوم و آن‌ها را بخوانم.

دانش‌آموز پایه‌ی دوم دبستان: خانمان همه‌اش می‌گوید در مدرسه فقط کتاب‌های مدرسه را بخوانید. در کتاب بنویسیم هم جای نوشتن خیلی کم است. من همه‌اش ریز می‌نویسم، اما باز هم جا نمی‌شود.

دانش‌آموز سوم دبستان: دلم می‌خواهد کتاب‌های داستان خودم را بیاورم مدرسه. آخر من نمی‌توانم تنهایی کتاب‌های مدرسه را بخوانم و بفهمم. تازه، کتاب‌ها سنگین هم هستند. مامانم همیشه کیفم را برایم می‌آورد. بعضی روزها بعضی کتاب‌ها را اصلاً لازم نداریم.

دانش‌آموز پایه‌ی چهارم دبستان: راستش بعضی از درس‌ها بی‌مزه‌اند؛ خیلی جدی‌اند. در ضمن، به درد امتحان هم نمی‌خورند. معلم ما که همه‌اش از کتاب‌های کمک درسی سؤال امتحانی در می‌آورد.

دانش‌آموز پایه‌ی پنجم دبستان: یک چیزی بگویم عیبی ندارد؟ من گاهی تو کتاب‌ها اشکال می‌بینم! اما خب کتاب درسی که نباید اشکال داشته باشد!

دانش‌آموز پایه‌ی ششم دبستان: سواد که فقط تو کتاب درسی نیست!

کتاب درسی از نظر اولیای مدرسه

آموزگار: حجم کتاب‌ها زیاد است و بعضی درس‌ها خیلی خشک و بی‌روح‌اند. در دنیای رایانه‌ای امروزی می‌توان جذاب‌تر از این‌ها کار کرد.

مدیر: خانواده‌ها از سنگینی‌شان گله دارند، معلم‌ها از حجم زیادشان. من مدیر هم از ناآگاهی معلم از روش تدریس کتاب. در ضمن، خبری از رایانه و عصر فناوری اطلاعات در کتاب‌ها نیست. بچه‌ها با کتاب‌ها ارتباط نمی‌گیرند.

کارشناس برنامه‌ی درسی: با توجه به ویژگی‌های کودکان در دوره‌ی دبستان، تعلیم مفاهیم اساسی، تربیت اخلاقی، اجتماعی و جسمانی ضرورت دارد. در نظام آموزشی متمرکز ایران، کتاب درسی برای طیف گسترده‌ای نوشته می‌شود و سخت است که همه‌ی نیازها و سلیقه‌ها را در آن رعایت کرد.

کتاب درسی از نظر اولیای خانه

پدر: کتاب درسی حجت است. برای آموزش سواد و یادگیری علوم چه منبعی بهتر از کتاب درسی! البته اگر کامپیوتر و موبایل بگذارند!
مادر: بهتر بود کمی هم علاقه و نیازهای بچه‌ها در کتاب‌ها مطرح می‌شد.

مادر بزرگ: زمان ما که کتاب چندانی نبود، ما در به‌در دنبال کتاب می‌گشتیم تا بخوانیم، اما حالا که دنیا پر از کتاب است، بچه‌ها همه چیز می‌خوانند به جز کتاب؛ درسی و غیردرسی هم ندارد.

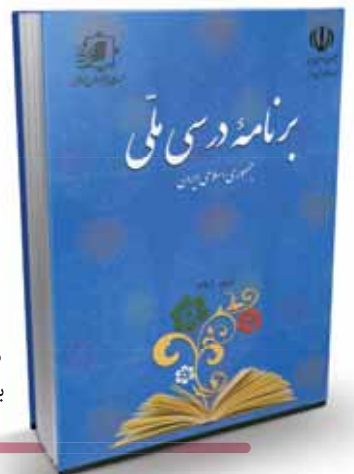
کتاب درسی از نظر جامعه

تحصیل کرده: بهترین و مهم‌ترین منبع کسب علم کتاب درسی است.
البته می‌توان درس‌ها را با توجه به نیازهای بچه‌ها و متناسب با شرایط اجتماعی روز تدوین کرد تا کتاب و مباحث جذاب‌تر باشند.
پشت کنکوری: کاش از همان اول کتاب‌های بیشتری خوانده بودیم!

کتاب درسی از نظر برنامه‌ی درسی ملی

مواد و رسانه‌های یادگیری [از جمله کتاب درسی] کلیه‌ی ابزارها و وسایل ارتباطی هستند که برای تحقق اهداف برنامه‌ها و پیشرفت تحصیلی متریبان ابداع شده یا به‌کار گرفته می‌شوند و کاربرد آن‌ها می‌تواند فرایند یاددهی - یادگیری را مؤثرتر و پایدارتر و تحقق یادگیری معنادار را آسان‌تر سازد. این مواد عبارت‌اند از: بسته‌ی آموزشی، نرم‌افزارهای آموزشی، طبیعت، شبکه‌های آموزشی (مانند اینترنت)، مولتی مدیا، دستگاه‌ها، اجسام و اشیای مختلف، کتاب درسی، کتاب کار، کتاب راهنمای معلم، مجلات و کتاب‌ها و...

محتوای برنامه‌ی درسی و تربیتی در بین عناصر و مؤلفه‌های نظام آموزشی از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. از طریق محتواست که نظام آموزشی و پرورشی به‌طور مستقیم با هویت متریبان مرتبط می‌شود و آثار مورد نظر را در نگرش، دانش، رفتار، انگیزه‌ها و شخصیت آنان برجا می‌گذارد.



«رویکرد برنامه‌های درسی و تربیتی فطرت‌گرایی توحیدی است. در این رویکرد، محتوا:

۱. مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و تربیتی و سازوار با آموزه‌های دینی و قرآنی، مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ از فرصت‌ها و تجربیات یادگیری است که زمینه‌ی شکوفایی فطرت الهی، رشد عقلی و فعلیت یافتن عناصر و عرصه‌ها را به‌صورت پیوسته فراهم می‌آورد.
۲. دربرگیرنده‌ی مفاهیم و مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی مبتنی بر شایستگی‌های مورد انتظار از دانش‌آموزان است.
۳. برگرفته از یافته‌های علمی و معتبر بشری است.
۴. متناسب با نیازهای حال و آینده، علاقه‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان، انتظارات جامعه‌ی اسلامی و زمان آموزش است» (برنامه‌ی درسی ملی، ص ۱۲ و ۱۳).

کتاب درسی در آرزوهای دانش‌آموزان

- کاش بعضی درس‌ها مثل بازی‌های کامپیوتری مأموریتی بود. مأموریت می‌دادند که برویم فلان کار را انجام بدهیم و بعد اگر خوب انجام می‌دادیم، به مرحله‌ی بعد می‌رفتیم.
- کتاب باید داستان گونه باشد تا ما هر روز یک داستان بخوانیم و از آن چیزی یاد بگیریم.
- کاش می‌توانستیم خودمان برای خودمان کتاب بنویسیم. چرا عکس من و دوستانم هیچ وقت در کتاب نیست! همه‌اش عکس غریبه‌هاست.
- کتاب باید به زبان بچه‌ها نوشته شود نه به زبان معلم‌ها.
- خوب است کتاب به ما چیزهایی یاد بدهد که وقتی بچه‌ایم به دردمان بخورد. این درس‌ها که ما می‌خوانیم به کارمان نمی‌آیند. بزرگ‌ترها هم می‌گویند برای آینده‌تان خوب است. خب پس امروزمان چی؟

آنچه دانش‌آموزان در مدرسه به‌عنوان محتوای درسی می‌خوانند، با آنچه محتوای درسی درواقع باید باشد، با آنچه اولیای مدرسه و خانواده و جامعه انتظار دارند، تفاوت بنیادی ندارد تنها روش‌های ارائه متفاوت هستند. آیا نمی‌توان راهی برای جذاب‌تر کردن کتاب‌های درسی جست؟ هیچ‌کدام از این موارد با اصول اسناد بالادستی آموزش و پرورش منافات ندارند.



می‌نویسم که باشم!

کسب مهارت‌های اولیه‌ی نوشتن
در پایه‌ی اول

پیچیده‌ترین و سخت‌ترین جنبه‌ی مهارت‌های زبان‌آموزی، آموزش مهارت نوشتن است. در آموزش مهارت نوشتن به کودکان مبتدی، ابتدا لازم است پیش‌نیازهای ضروری به‌صورت برنامه‌ریزی شده آموزش داده شوند. این مقاله به دلیل اهمیت موضوع به این مهم پرداخته است. سرعت رشد مهارت‌های ذهنی و حرکتی و عاطفی در کودکان با یکدیگر فرق دارد. هر کودک الگوی رشد مخصوص به خود را دارد. بنابراین، هر چند می‌توان پیش‌بینی کرد که کودکی در سن یا مرحله‌ای مشخص، همان توانایی را داشته باشد که دیگر هم‌سالان او دارند، ولی توجه «آموزگار» به ویژگی‌های منحصر به فرد هر کودک ضروری است. **کلیدواژه‌ها:** نوشتن، مهارت‌های زبان‌آموزی، آداب نوشتن

دنگو (۱۹۷۵)، لامه (۱۹۷۹) و کلارک و آلن (۱۹۸۵) مراحل بیان نوشتاری (پیش‌نیاز نوشتن) را در حین رشد کودک چنین توصیف می‌کنند:

- رشد عضلات کوچک؛
- هماهنگی چشم و دست؛
- توانایی نگهداری ابزار نوشتن؛
- نگهداشتن یک ابزار نوشتاری و به‌جا گذاشتن اثراتی روی کاغذ یا سایر سطوح؛
- خط‌خطی کردن؛
- توانایی ایجاد حرکات و شکل‌های اساسی به‌صورت یکنواخت و هماهنگ؛

• رسم دقیق شکل‌های هندسی شامل دو شکل یا بیشتر؛
• رسم کردن شکل‌های هندسی آشنا مثل آدم، خانه و درخت؛
• درک حروف شامل شناسایی شکل‌ها با توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌ها، درک حرکات لازم برای رسم شکل‌ها و ارائه‌ی توضیحات کلامی صحیح درباره‌ی مشاهدات؛

• توانایی جهت‌یابی در زبان نوشتاری که به تحلیل حروف و لغات و تمایز مفاهیمی مانند «چپ و راست، بالا و پایین و زیر و رو» نیاز دارد. **بیری (۱۹۸۹)** پیشنهاد می‌کند، آموزش نوشتن تا زمانی که کودک توانایی رسم ۹ شکل ابتدایی را پیدا می‌کند، به تعویق افتد. این شکل‌ها عبارت‌اند از: خط عمودی، خط افقی، دایره، به‌علاوه، یک خط مایل به سمت راست، مربع، یک خط مایل به سمت چپ، ضربدر و مثلث.

رشد در هر پدیده‌ای، از جمله نوشتن، سیری مشخص و مرحله‌ای دارد. تغییرات ناشی از رشد و پیشرفت در همه‌ی زمینه‌ها و به‌ویژه نوشتن، محتاج مرور زمان است. مهارت نوشتن مستلزم «فعالیت منظم فراگیرنده» است و تجربه‌های خوب در نوشتن موجب تقویت مهارت‌های نوشتن در کودک می‌شود. این شرایط در آموزش کلیه‌ی مهارت‌ها صادق است. کودک اول دبستانی، قبل از رفتن به مدرسه زندگی آزادانه‌ای داشته و جست‌وجیز فراوان می‌کرده است. با ورود به دبستان، تغییرات زیادی در زندگی او پیش می‌آید. از او انتظار می‌رود ساعت‌ها آرام بنشیند و به حرف‌های مسئولان گوش دهد و با اجازه حرف بزند. برای این کودک انجام دادن فعالیت‌های یکنواخت سخت است و تنش روانی و ناراضی‌ت او را در پی دارد. بنابراین، از معلمان انتظار می‌رود مهارت نوشتن را در قالب فعالیت‌های متعدد و کوتاه‌مدت آموزش دهند و راهبردهای یاددهی-یادگیری مبتنی بر بازی‌های آموزشی را به کار برند.

مراحل بیان نوشتاری

در این مرحله، پیش‌مهارت‌های حرکتی ویژه‌ی نوشتن تقویت می‌شوند. درواقع، رفع این پیش‌مهارت‌ها یا پیش‌نیازها باعث می‌شود دانش‌آموزان در خواندن و نوشتن و دقت و سرعت در نوشتن بهتر عمل کنند. خواندن و نوشتن نه تنها در بیان افکار و ارائه‌ی پیام به دیگران نقش مهمی ایفا می‌کند، بلکه به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز کمک می‌کند.

هماهنگی چشم و دست و تقویت عضلات کوچک

کودکانی که دوره‌ی پیش‌دبستانی را گذرانده‌اند یا توسط پدر و مادر آگاه در خانه پرورش یافته‌اند، تا اندازه‌ی زیادی بر عضلات کوچک خود کنترل دارند. اما عده‌ای از کودکان در این مهارت ضعف دارند. معلمان گرامی پایه‌ی اول، با توجه به شرایط و موقعیت، ابتدا آمادگی‌های اولیه‌ی نوشتن را از طریق فعالیت‌هایی مانند «خمیربازی، باز و بسته کردن دکمه، گره زدن نخ و طناب، رد کردن نخ از مهره، بافت، دوخت، بریدن و چسباندن، نقاشی و رنگ‌آمیزی با مدادرنگی و ماژیک و مدادشمعی و چیدن قطعات یک تصویر (پازل)» برای این کودکان فراهم کنند تا ضمن آنکه ماهیچه‌های کوچک کودکان تقویت می‌شود، هماهنگی‌های لازم بین حرکات چشم و دست آن‌ها برای شروع فعالیت‌های نوشتاری به وجود آید.

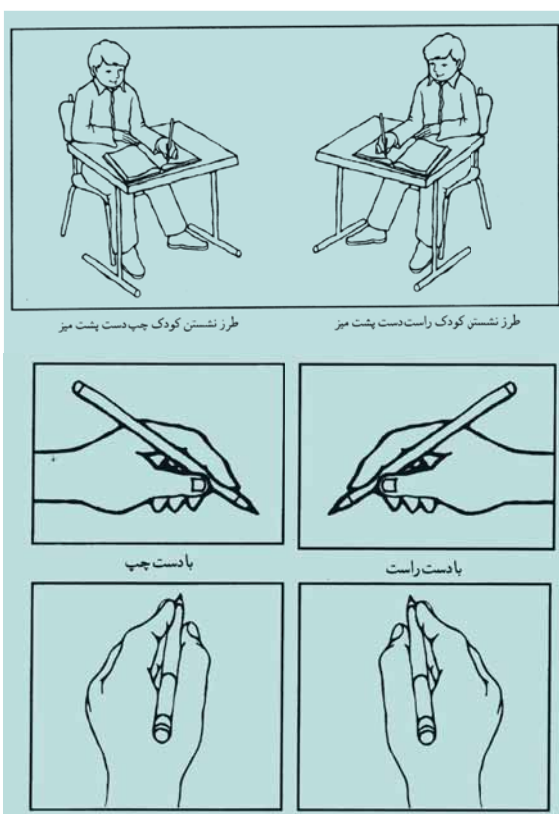
همچنین، در پایه‌ی اول، ضروری است ابتدا آداب نوشتن را به کودکان بیاموزیم. سپس مقدمات درک شکل حروف را برای آن‌ها فراهم کنیم و موقعیت‌هایی به وجود آوریم که کودکان این پایه، از طریق بازی، فعالیت‌هایی مانند «پرنگ کردن خطوط، نوشتن روی نقطه‌چین، وصل کردن خطوط به یکدیگر، کشیدن خطوط عمودی از بالا به پایین و برعکس و خطوط افقی از راست به چپ، نوشتن حروف و درنهایت کلمات و جملات را آغاز کنند.

نکته‌ی حائز اهمیت این است که معلمان گرامی، در هنگام نوشتن خطوط و حروف، کودکان را زیر نظر داشته باشند تا دانش‌آموزان پایه‌ی اول زیرنویس‌ها و حروف را از جهت درست و با توجه به فلش‌ها بنویسند و آداب نوشتن را رعایت کنند. در صورت مشاهده‌ی اشکال، با بازخوردهای ترغیب‌کننده آن‌ها را هدایت و به نوشتن علاقه‌مند کنند. برای اینکه کودکانی خوانانویس داشته باشیم، این روند در طول سال باید ادامه یابد.

تا زمانی که دانش‌آموزان پایه‌ی اول به نوشتن مسلط نشده‌اند، معلمان عزیز تکلیف منزل ندهند، زیرا امکان دارد دانش‌آموزی آداب نوشتن را به‌درستی رعایت نکند. تمرین بیشتر باعث پیدا شدن عادت‌های نادرست می‌شود که از بین بردن آن زمان زیاد و انرژی

فراوانی می‌طلبد. انگشتان در حدود ۱/۵ سانتی‌متری نوک مداد، یعنی بالای تراشیدگی آن قرار گیرند. بنابراین، نباید انگشتان را به نوک مداد زیاد نزدیک کرد یا بیش از حد از آن دور نگه داشت. موقع استفاده از مداد نباید آن را با دست برتر مشت یا بغل کرد.

مداد خیلی کوچک یا خیلی بلند، خیلی کلفت یا خیلی نازک نباشد. هنگام نوشتن پشت میز، ستون فقرات باید راست باشد و پاها روی زمین قرار بگیرند. فاصله‌ی سر تا کاغذ، با توجه به قد، ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر باشد.



آداب نوشتن و نحوه‌ی به دست گرفتن صحیح مداد

- دست برتر را بشناسد.
- مفاهیم راست و چپ، بالا و پایین و زیر و رو را درک کند و بداند.
- به‌طور صحیح پشت میز بنشیند.
- کتاب و دفتر را به‌طور صحیح جلوی خود قرار دهد.
- دفتر و کتاب را درست ورق بزند.
- سه اصل نوشتن یعنی هم‌شکلی، هم‌اندازگی و هم‌فاصلگی را

- رعایت کند.
- تا حد امکان طوری بنشیند که نور از روبه‌رو به چشم او نتابد.
- مداد را هنگام استفاده در دست برتر بگیرد. انگشت‌های شست، اشاره و میانی دست، و سمت و محلی را که نوشتن از آنجا شروع می‌شود، بشناسد.
- مداد را به‌طور صحیح در دست برتر، بین انگشتان شست و اشاره و میانه قرار دهد. به عبارت بهتر، انگشت میانه زیر و انگشتان شست و اشاره در اطراف مداد باشند.



تنظیم می‌کند و آن را به‌عنوان یک منبع آموزشی به در و دیوار موزه‌ی کلاسی‌اش می‌چسباند.

داستان موزه

داستان موزه‌ی کلاسی آقای هادی از ورود یک خارپشت (جوجه تیغی) به مدرسه شروع شده است. او می‌گوید: «یک روز یکی از بچه‌ها یک خارپشت به کلاس آورد. من آنچه را از فایده‌های این جانور برای شکار آفات و حیوانات مضر مانند موش و مار می‌دانستم، به دانش‌آموز گفتم. من از خارپشت عکس‌های متعددی تهیه کردم و اطلاعات دیگری را هم به آنچه در مورد آن به دانش‌آموز گفته بودم افزودم و همه را به شکل یک روزنامه‌ی دیواری، به دیوار کلاس چسباندم.»

او از شکار موقعیت‌های دیگرش این گونه تعریف می‌کند: «یک روز به مدرسه آمدم و دیدم بچه‌ها دارند زیر آفتاب با سی‌دی‌هایی که یافته‌اند، بازی نور انجام می‌دهند. به نظرم رسید بهترین فرصت برای یادگیری بازتابش نور الان است، چون در زمان دیگری نمی‌توان بچه‌ها را به این اندازه درگیر موضوع کرد. از این موقعیت استفاده کردم و پس از توضیح در مورد این که سی‌دی یک سطح صیقلی است که نور را عبور نمی‌دهد اما آن را منعکس می‌کند، فرایند یادگیری را مستندسازی کردم و با عکس و توضیحات، گزارش آموزش آن روز را به دیوار کلاس چسباندم تا بچه‌ها هر بار

روایتی از احمد هادی، آموزگار چند پایه‌ی منطقه‌ی خلیل‌آباد در کلاس‌های چندپایه آموزگار پژوهنده‌ای که محتوای علمی می‌سازد

در پیگیری مباحث مربوط به تلفیق‌های هدفمند و مسئله‌مدار، این بار به این موضوع می‌پردازیم که چگونه آموزگاران می‌توانند برنامه‌ی درسی خود را به سمت تلفیق‌هایی با ارتباط معنادار با زندگی و محیط پیرامون دانش‌آموزان هدایت کنند؟ به نظر می‌رسد که سؤال سختی را مطرح کرده‌ایم و برای پاسخ‌گویی، به راهنمایی‌های بیشتری برای روشن کردن صورت سؤال نیاز داریم. بیایید چند عبارت را که این روزها در میدان حرفه‌ی معلمی زیاد می‌شنویم، دوباره با هم مرور کنیم: «معلم پژوهنده»، «معلم فکور»، «تأمل در عمل معلمی»، «معلم محتواساز»، «برنامه‌ی درسی بومی»، «آموزش موقعیت محور»، «غنی‌سازی محیط آموزشی» و موارد مشابه دیگری که حتماً تاکنون زیاد درباره‌ی آن‌ها شنیده یا خوانده‌اید.

اگر از شما بخواهند در مورد چگونگی کار آموزگاری که می‌تواند برنامه‌ی درسی خود را به سمت تلفیق مفاهیم آموزشی با موقعیت‌های واقعی زندگی دانش‌آموزان هدایت کند، یک پاسخ مناسب بدهید، این کلیدواژه‌ها چه تجربه‌ها و خاطراتی را برایتان تداعی خواهند کرد؟ تا شما در این باره می‌اندیشید، ما هم به روایتی از زندگی کاری یک آموزگار چندپایه می‌پردازیم که به مصداق این معانی نزدیک شده است.

گردآوری‌های عجیب

احمد هادی که ده سال متوالی است ساکن مدرسه‌ی سیدالشهدای خلیل‌آباد (یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی) است، موزه‌ی آزمایشگاه غنی و پر از روایتی را در یکی از اتاق‌های این مدرسه‌ی تک کلاسه دایر کرده است. او روش گردآوری نمونه‌های خود را این گونه روایت می‌کند: «بچه‌ها همیشه در مسیر رفت و آمدشان به مدرسه به چیزهای عجیبی برخورد می‌کنند که آن‌ها را به همراه خود به کلاس درس می‌آورند؛ مثلاً یک قطعه سنگ. من هر کدام از اشیایی را که بچه‌ها به کلاس می‌آورند، مستندسازی می‌کنم.» منظور آقای هادی از مستندسازی این است که در مورد آن شیء یا پدیده شروع به تحقیق می‌کند و منشأ و اصالت آن را می‌یابد. سپس شروع یک روایت از داستان آن پدیده، در قالب روزنامه دیواری

و واضحی دارد. من در حین تشریح گل شقایق و آموزش، به مراحل گردهافشانی زنبور هم اشاره می‌کنم. بچه‌ها خود به خود متوجه می‌شوند زنبور حشره‌ی مفیدتری نسبت به شاپرک است. چون زنبورها به تکثیر گل‌های شقایق و افزایش محصول عسل کمک می‌کنند، اما شاپرک‌ها میوه‌ی درختان را از بین می‌برند. بدین ترتیب، آنان می‌فهمند که با ازدیاد کدام یک از حشرات باید مبارزه کنند تا محصولات کشاورزی بیشتر و با کیفیت‌تری داشته باشند.»

او در ادامه به یک مارمولک آکنده‌سازی (تاکسیدرمی) شده و مطالبی که روی برگ‌هایی در اطراف آن چسبانده است اشاره می‌کند و می‌گوید: «من در اینجا رابطه‌ی مارمولک را با شته و کفشدوزک و حشرات دیگر نوشته‌ام تا بچه‌ها با مطالعه‌ی آن بدانند مارمولک خزنده‌ای مفید برای کشاورزی به شمار می‌رود که می‌تواند شته‌های مزاحم را از بین ببرد و خیلی از آفت‌ها را کنترل کند. این طوری آن‌ها برای کشتن مارمولک‌ها بسیج نمی‌شوند.»

عکس‌هایی که آقای هادی برای مستندسازی رخداد‌های طبیعی تهیه کرده است، گویاتر از هر توضیحی است. او می‌گوید: «این کفایت نمی‌کند که من به دانش آموز بگویم شته یک آفت است. او باید با چشم خودش ببیند که شته‌ها چطور با به جا گذاشتن شیرهای چرب روی برگ گیاهان، راه نفوذ هوا را می‌بندند و موجب خشک شدن درختان و آسیب رساندن به محصولات کشاورزی می‌شوند.»

در حین گفت‌وگو، بچه‌ها سؤالات مختلفی مطرح می‌کنند و آقای هادی به جای دادن پاسخ‌های مستقیم به آن‌ها، بچه‌ها را به گوشه‌هایی از موزه‌ی آزمایشگاه کلاسی هدایت می‌کند تا خودشان به مشاهده و کشف پاسخ بپردازند.

این آموزگار عقیده دارد: «بچه‌ها را باید با تجربه‌های دست اول درگیر کرد. از روی کتاب نمی‌توان تفاوت ماسه و خاک رس را آموزش داد. آن‌ها باید خودشان این خاک‌ها را در دست بگیرند و لمس کنند تا بفهمند کدام نرم و کدام سفت است. بعد می‌توانند کاربردهای آن‌ها را پیدا کنند و تشخیص بدهند برای ساختن دستگاه تصفیه‌ی آب کدام یک باید در لایه‌ی زیرین و کدام یک در لایه‌ی رویی باشد. یا برای گلدان کدام یک می‌تواند آب را بهتر به ریشه برساند.»

او برای گسترش تجربه‌های آموزشی، بچه‌ها را به محلی از روستا که در آن برخی از والدین با ماشین‌های سنگ شکن اقدام به استخراج سنگ آهن می‌کنند، برده است و انواع ناخالصی‌هایی را که از سنگ‌های آهن جدا می‌شود، به آن‌ها نشان داده و معرفی کرده است. او از بچه‌ها می‌خواهد در مورد کاربرد هر کدام از این ناخالصی‌ها، از جمله گوگرد و مس، فکر کنند.

در خلال بازدید، مشغول گفت‌وگو با بچه‌هایی می‌شوم که دارند



با دیدن آن، به یاد تجربه‌ی انعکاس نور بیفتند.»

هادی مستندسازی‌های پیچیده‌تری هم انجام داده است. او نمونه‌ای را نشان می‌دهد که فرایند تولیدمثل شاپرک را با نمونه‌ی واقعی به نمایش گذاشته است. باز هم اکتشاف از کنجکاوی یک دانش‌آموز کلاس اولی آغاز شده که تخم‌های شاپرک را به کلاس آورده است. آقای هادی تخم‌ها را در یک شیشه‌ی نمونه‌گیری که همیشه در دسترسش هست نگهداری می‌کند. روز دیگر، یکی از بچه‌ها لارو شاپرکی را که یافته است به کلاس می‌آورد و زنجیره‌ی تکامل بدین صورت ادامه پیدا می‌کند. آقای هادی از لاروهای زنده هم به مدت یک ماه، تا تنیده شدن پیل، مراقبت می‌کند. سپس داخل یک پیل را می‌شکافد و به پوسته‌ی قهوه‌ای رنگی که پروانه‌ها برای حفاظت از خودشان در مقابل حمله‌ی مورچه‌ها ترشح می‌کنند دست پیدا می‌کند. پس از آن منتظر خروج پروانه از داخل پیل می‌ماند تا مراحل مستندسازی‌اش را کامل کند.

این آموزگار چند پایه توضیح می‌دهد، او در ضمن آشنا کردن بچه‌ها با چرخه‌ی تولیدمثل شاپرک، در مورد انواعی که آفت مزارع و باغ‌ها محسوب می‌شوند هم به بچه‌ها هشدار می‌دهد تا بروند و راه‌های مبارزه با شاپرک‌های آفت‌زا را پیدا کنند. آقای هادی در مورد فایده‌های این نوع آموزش‌ها به تصویرهایی از گردهافشانی شقایق اشاره می‌کند و می‌گوید: «بهترین گل برای نمایش گردهافشانی، شقایق است که مادگی و کلایه‌ی درشت



ساخته است. از مدرسه‌ی کوچک سیدالشهدا (ع) با هشت دانش‌آموز دختر و پسر در سنین متفاوت، در حالی برمی‌گردم که خوب می‌دانم، بر مبنای شعار «آموزش برای همه»، هر جا کودکی هست، پرچم مدرسه‌ای هم باید در آنجا برافراشته شود. در واقع مدرسه‌های کوچک بر اساس چنین منطقی تشکیل شده‌اند تا همگان از حق آموزش برخوردار شوند. با وجود این، در تجربه‌ی امروز، یک درس دیگر را هم خوب‌تر مرور کردم. اینکه حق آموزش کمترین و حداقلی‌ترین حقوق هر کودکی به شمار می‌رود و این روزها اگر از حق آموزش با کیفیت و معلم شایسته و با صلاحیت به عنوان حقی بدیهی برای کودکان سخن گفته می‌شود، صرفاً نباید در مدرسه‌های بزرگ و دارای امکانات ویژه به دنبال معلمان فکور و پژوهنده بود. مناطق دوردست کشورمان، نقاط صعب‌العبور، محیط‌هایی با فرهنگ‌های محلی و چندزبانه، روستاهای کوچک و حاشیه‌ی شهرها جزو محل‌هایی هستند که معلمان فکوری مانند آقای هادی، در آن‌ها به ظرفیت‌هایی همچون برنامه‌ی درسی بومی، آموزش موقعیت‌محور و غنی‌سازی محیط آموزشی‌شان اندیشیده‌اند و پرچم کیفیت‌بخشی به آموزش کلاس‌های چندپایه را برافراشته‌اند.

کلاس، نوعی محتوای درسی برای دانش‌آموزانش بسازد. وی مایل است مواد آموزشی و ابزارهای کمک آموزشی مورد نیاز کلاسش را خودش فراهم کند یا از وسایلی که در اختیار بچه‌هاست استفاده‌ی آموزشی کند. او مکعب‌های شمارش (کوئیزتری) را نشان می‌دهد که آن‌ها را با گچ‌های آموزشی ساخته است. در واقع، در مدرسه‌ی سیدالشهدا، هیچ چیزی نادیده گرفته یا دور ریخته نمی‌شود، چرا که به اعتقاد آقای هادی، از هر وسیله‌ای می‌توان به‌عنوان تکنولوژی آموزشی استفاده کرد.

هر سال یک پروژه

این آموزگار پژوهنده هر سال یک پروژه‌ی علمی برای مدرسه‌اش تعریف می‌کند. او حتی پیش از جشنواره‌هایی مانند درس‌پژوهی، اقدام‌پژوهی و جابربن حیان، این روند را آغاز کرده بوده است. اگرچه علاقه‌مند است این پروژه‌ها را در مسابقه‌های جشنواره‌ای شرکت دهد، اما این بخش از کار، سهم کوچکی در انگیزه‌ی پژوهشی او دارد. آقای هادی که هم اکنون در آخرین سال‌ها از دهه‌ی سوم خدمتش به سر می‌برد و امروز و فرداست که از قطار معلمی پیاده شود، بیش از یک دهه است خودش را این گونه کشف کرده و مسیر توسعه‌ی حرفه‌ای‌اش را به‌طور مشخصی

موضوعات خشک، با دقت گوش می دهند؛ تا جایی که لازم بدانند. بقیه هم بین این دو گروه قرار می گیرند.

عوامل بیرونی

عوامل بیرونی نیز در طول روز محدودی توجه دانش آموزان را تعیین می کنند. این عوامل بیرونی عبارتند از: خواب کافی، زمان مناسب در روز، سطح گرسنگی، اتفاقاتی که در خانه افتاده و میلیون ها مورد دیگر. این تغییر سطح توجه به این دلیل است که دانش آموزان در روزهای گوناگون کارهای متفاوتی انجام می دهند.

دو عامل طبیعی و بیرونی تا حد زیادی از کنترل معلم خارج اند. همچنین، در روزهای مختلف تغییر می کنند. اما برای شما به عنوان معلم، این بدان معنا نیست که اسیر توجه آن ها باشید. فکر کنید شما نمی توانید توجه طبیعی دانش آموزان و عوامل بیرونی را که روی آن ها تأثیر دارند تغییر دهید. در اینجا راهکارهایی وجود دارند که می توانید در کلاستان آن ها را به کار بگیرید تا محدودی توجه دانش آموزانتان را بالا ببرید.

۱. دانش آموزان را فعال نگه دارید

بعضی از فعالیت های کلاسی باعث می شوند توجه دانش آموزان کم شود؛ برای مثال، سخنرانی های دانش آموزی یا بلند خواندن متن درس در طول کلاس.

این فعالیت ها در چه چیزی مشترک اند؟ در این نمونه ها اکثر دانش آموزان فعالیتی ندارند.

دلیل اینکه دانش آموزان در مواردی که فعالیتی ندارند تمرکزشان کم می شود، به همان علت است که همه ی ما تمایل داریم وقتی کاری انجام نمی دهیم، توجهمان را به چیز دیگر جلب کنیم یا کاری انجام دهیم.

جلب توجه دانش آموزان به درس آسان است؛ آن ها را فعال نگه دارید. برای مثال، به جای اینکه بنشینید و گفت و گو کنید، می توانید آن ها را طبق نظراتشان در گروه هایی طبقه بندی کنید تا مناظره کنند و هر کدام پنج تا از نکته های مهم هم کلاسی هایشان را یادداشت کنند. وقتی دانش آموزی برای سخنرانی می آید، به جای اینکه از دیگر دانش آموزان بخواهید فقط گوش کنند، می توانید از آن ها بخواهید دوستشان را ارزیابی کنند. در آخر، شما می توانید با کمی خلاقیت، تمرین های بدون فعالیت را به تمرین های فعال تبدیل کنید. این موضوع کمک می کند حتی کم تمرکزترین دانش آموزان را در کلاس فعال نگه دارید.

۲. زمانی که کلاس بدون فعالیت است، انرژی و اشتیاقشان را بالا نگه دارید

اینکه تلاش کنید در تمام مدت کلاس دانش آموزان را فعال نگه

چاشنی های جلب توجه

بسیاری از مدرسه ها، جلسه هایی را به منظور بحث و گفت و گو درباره ی دانش آموزان برگزار می کنند. یکی از موارد قابل توجه در این جلسات این است که معلمان نظرهای متفاوتی در مورد یک دانش آموز دارند. درواقع، یک معلم دانش آموزی را تنبل و گستاخ می بیند، در حالی که معلم دیگر همان دانش آموز را مشتاق، متعهد و صمیمی می بیند. این موضوع غیرعادی نیست که دانش آموزی در درس یک معلم کار و تکالیف زیادی و در درس معلم دیگر کار کمتری انجام دهد.

این تغییرات در رفتار، تلاش و عملکرد دانش آموزان دلایل بی شماری دارد و غالباً شامل مواردی می شود که شما به عنوان معلم کنترل کمتری روی آن ها دارید؛ مثل موضوع درستان، شخصیتان یا مجموعه ای از دانش آموزان کلاستان. در اینجا نکاتی را مطرح می کنیم که نشان می دهد بدون در نظر گرفتن این عوامل که از عهده ی شما خارج اند، چگونه می توانید توجه دانش آموزانتان را بیشتر جلب کنید. **کلیدواژه ها:** جلب توجه دانش آموزان، محدودی توجه، عوامل توجه

در این مطلب عوامل تأثیرگذار در جلب توجه دانش آموزان را نام می بریم و هر کدام را توضیح می دهیم. در نهایت، راهکارهایی برای جلب توجه بیشتر آنان پیشنهاد می دهیم.

عوامل طبیعی

محدودی توجه یکی از بی ثبات ترین ویژگی های دانش آموزان است. به طور کلی، دانش آموزان محدودی توجه کمی دارند و حواس آن ها به سرعت پرت می شود. اما در مواردی، دانش آموزان خیلی بیشتر از بزرگسالان می توانند تمرکز کنند. برای مثال، به بازی های رایانه ای فکر کنید. تعداد کمی از بزرگسالان می توانند به مدت هشت ساعت بازی کنند، اما این موضوع برای کودکان غیرعادی نیست که زمان زیادی را صرف بازی های رایانه ای کنند.

محدودی توجه دانش آموزان به عوامل زیادی بستگی دارد. دانش آموزان سطوح متفاوتی از توجه دارند. در هر کلاسی ممکن است دانش آموزانی باشند که نتوانند توجه خود را بیشتر از یک دقیقه روی موضوع معطوف کنند. برخی دیگر به همه ی موضوعات، حتی به

دارید، شایسته و قابل ستایش است، اما در واقعیت این کار ممکن نیست. به ناچار، زمان‌هایی وجود خواهند داشت که دانش‌آموزان مجبورند بدون هیچ فعالیتی به شما گوش دهند. البته این بد نیست. یادگیری با گوش دادن بدون سروصدا یک مهارت مهم است. در طول این مدت سعی کنید انرژی و اشتیاقشان را بالا نگه دارید. این کار می‌تواند با افکار منحرف‌کننده در سر دانش‌آموزان رقابت کند. اگر بتوانید موضوع درستان را از دیگر افکار موجود در سر دانش‌آموزان جذاب‌تر کنید، آن‌ها احتمالاً با شما همراه می‌شوند.

۳. زنگ تفریح داشته باشید

همان‌طور که معلم‌ان برای تجدید قوا به زنگ تفریح نیاز دارند، دانش‌آموزان هم گاهی اوقات برای اینکه توجهشان جلب بماند، در طول کلاس به زنگ تفریح نیاز دارند. مثل همه‌ی ما، دانش‌آموزان هم برای تحلیل اطلاعات و تحمل کلاس آستانه‌هایی دارند. اگر در کلاس شما موضوعاتی مطرح شوند که دانش‌آموزان از آن‌ها لذت ببرند، توجه بیشتری نیز نشان می‌دهند تا اینکه موضوعات برای آن‌ها کسل‌کننده باشد. بنابراین، اگر برای طرح درس برنامه‌ریزی می‌کنید و برنامه‌ای می‌ریزید که فکر می‌کنید دانش‌آموزان از آن لذت می‌برند، ممکن است به زنگ تفریح احتیاج نداشته باشید، اما اگر با کاری که می‌خواهید انجام دهید، احتمال می‌دهید

دانش‌آموزان کسل شوند، فکر خوبی است که در طول کلاس یک زنگ تفریح داشته باشید یا حداقل لحظه‌ای را برای استراحت آن‌ها معین کنید. در این صورت، دانش‌آموزان کمی سر حال‌تر می‌شوند و با انرژی بیشتری کلاس را ادامه می‌دهند.

۴. برای لحظه‌هایی که حواسشان پرت می‌شود، برنامه‌ریزی کنید

بعید است در سخنرانی‌ها، حضار تمام مدت حواسشان به سخنران و موضوع سخنرانی باشد. مردم حتی زمانی که به کنسرت یا بازی‌های مورد علاقه‌شان می‌روند، لحظه‌هایی حواسشان پرت می‌شود. نمایش‌نامه‌نویس‌ها و موسیقی‌دان‌های خوب این موضوع را می‌دانند و بر این اساس کارشان را می‌نویسند. آن‌ها در کارهایشان نشانه‌هایی را برای جلب توجه حضارانی که حواسشان پرت شده است، به کار می‌برند. به‌عنوان معلم یادتان باشد، حتی اگر توجه دانش‌آموزان کم شد، نشانه‌هایی را به کار بگیرید و پیام‌هایی بدهید که به دانش‌آموزان هشدار بدهد مطلب مهمی در پیش است. این پیام به سادگی این جمله است: «این مهم است» یا اینکه «این در امتحان خواهد آمد». این جملات به همان اندازه که صدایتان را بلند می‌کنید یا وضعیت بدنتان را تغییر می‌دهید، دقیق و نافذ است.

منبع

1. Matthew Johnson (2010). Finding success the first year: a survivor's guide for new teachers. USA





معرفی گزیده فیلم‌های جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم رشد
با موضوع تقویت مهارت‌های معلمی در کلاس درس

نمای دوم، بدون قلط

آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید انتظارمان از مدرسه چیست؟ عده‌ای اعتقاد دارند مدرسه باید علوم گوناگون را به دانش‌آموزان بیاموزد. عده‌ای دیگر، به آموزش مهارت‌های زندگی گروهی و رشد ارزش‌ها و ویژگی‌های اخلاقی تأکید می‌کنند. پاسخ هیچ گروهی نادرست نیست، اما کامل هم نیست. مدرسه وظیفه دارد فرصت‌های مناسبی برای تعلیم و تربیت اسلامی، به معنای واقعی، فراهم کند و هیچ یک از موارد فوق نباید مورد کم‌توجهی قرار گیرد. کودکان باید مهارت‌های پایه و اساسی را با جذاب‌ترین روش‌ها در محیطی آرام و دلنشین بیاموزند و با مشارکت فعال و مؤثر در این فرایند آماده‌ی زندگی در جامعه‌ی فردا شوند.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های والدین در تعلیم و تربیت فرزندان، موفقیت آنان در امور تحصیلی است. از این‌رو، نظام آموزش و پرورش روش ارزشیابی کیفی-توصیفی را برنامه‌ریزی کرده است. این روش مرحله‌ی مطالعاتی و آزمایشی خود را در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ طی کرده و از سال تحصیلی ۸۸-۸۷ وارد مرحله‌ی جدیدی شده است که بدون هماهنگی و همراهی آموزگاران، مدیران، دانش‌آموزان و والدین گرامی به موفقیت نخواهد رسید. ارزشیابی توصیفی درصدد است با تغییر در دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و روش‌های دست‌اندرکاران نظام آموزشی و خانواده‌ها، محیطی پربار، بانشاط و جذاب برای کودکان فراهم کند. در ارزشیابی توصیفی، معلم با مشارکت فعال دانش‌آموز و اولیای ایشان، و با استفاده از انواع ابزارها به جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌ی تلاش‌ها، پیشرفت‌ها و موفقیت‌های دانش‌آموزان می‌پردازد و با طبقه‌بندی، تحلیل و تفسیر اطلاعات، به آن‌ها کمک می‌کند بهتر یاد بگیرند و مشکلات یادگیری خود را به کمک اولیا و معلمان برطرف کنند. هدف اصلی در ارزشیابی توصیفی بهبود شرایط یادگیری دانش‌آموزان با از بین بردن اضطراب‌های نامطلوب ناشی از برگزاری امتحانات و بازخوردهای عددی است. منظور از روش‌ها و ابزارها، آزمون‌ها، مخصوصاً آزمون عملکردی، پوشه‌ی کار و سایر موارد این‌چنینی است. همکاران ما می‌دانند، برای اینکه قضاوت درست و منصفانه‌تری از دانش‌آموزان داشته باشند، باید اطلاعات لازم و کافی را با تکیه بر انواع ابزارها جمع‌آوری کنند.

از جمله اشکالاتی که در نظام ارزشیابی سابق (نمره‌ای) وجود

داشت، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. دانش‌آموزان را با اضطراب و نگرانی روبه‌رو و محیط مدرسه را از نظر روانی و عاطفی تهدید می‌کرد؛
۲. بیشتر به اطلاعات و دانش جزئی و حفظیات توجه داشت تا درک و فهم و یادگیری‌های عمیق؛
۳. کودکان را به رقابت‌های نابرابر و ناسالم می‌کشاند و نظام برنده و بازنده را ترویج می‌کرد؛
۴. باعث نگرانی کاذب اولیا می‌شد.

از جمله محاسن ارزشیابی توصیفی نیز می‌توان این موارد را برشمرد:

۱. در ارزشیابی توصیفی، به جای دادن نمره به دانش‌آموز، از عبارت‌های کیفی مثل تلاش خوبی داشته‌ای، با تلاش به موفقیت رسیده‌ای، برای موفقیت باید بیشتر تلاش کنی، و با انجام تمرین بیشتر مشکل شما برطرف می‌شود استفاده می‌شود؛
۲. ارزشیابی توصیفی به زمان خاصی محدود نمی‌شود. این ارزشیابی در فعالیت‌های خارج از کلاس و محیط زندگی نیز جریان دارد؛
۳. تلاش و رشد کودکان همانند موفقیت آنان ارزشمند است و فقط به موفقیت‌ها امتیاز داده نمی‌شود، بلکه تلاش و پیشرفت نیز امتیاز دارد.

در ارزشیابی توصیفی نیز ارزشیابی تحصیلی-تربیتی دانش‌آموزان از وظایف مهم آموزگاران و معلمان است. در این شیوه، ضمن شناسایی و بررسی موقعیت و وضعیت یادگیری دانش‌آموزان و موانع



فرهنگیان محترم، اولیای گرامی و متولیان ارجمند آموزش و پرورش برای تهیه فیلم‌های معرفی شده می‌توانند به یکی از روش‌های زیر اقدام کنند:

الف) تماس با شماره تلفن ۰۲۱ - ۸۸۳۰۵۸۶۱ (گروه تولید فیلم‌های آموزشی).

ب) ارسال درخواست کتبی از طریق نشانی الکترونیکی goroohonari@gmail.com (با ذکر نام، شماره تلفن، کدپستی و نشانی دقیق).

ج) مراجعه حضوری به این نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، نرسیده به پل کریمخان زند، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، طبقه دوم، گروه توسعه و تولید رسانه‌های شنیداری و دیداری.

عنوان فیلم: بدون غلط (غلط)
قالب: داستانی (بخش بین‌الملل)
مدت زمان: ۱۳ دقیقه

خلاصه فیلم: یکی از دانش‌آموزان دوره‌ی اول ابتدایی به نام فاطمه، استعداد خیلی خوبی در درس‌هایش و دیگر فعالیت‌ها از جمله هنر نمایش دارد. او در امتحان دیکته‌اش نمره‌ی «خیلی خوب» با یک غلط را کسب می‌کند و از اینکه یک غلط دارد بسیار ناراحت می‌شود. از آنجا که پدر و مادر فاطمه هر شب دیر به خانه می‌آیند، کسی در خانه نیست به او دیکته بگوید تا او توانایی‌اش را در این درس بالا ببرد. تا اینکه...

مخاطب فیلم: این فیلم برای تماشای مدیران، معاونان، مربیان، آموزگاران و همچنین اولیای محترم دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم ابتدایی توصیه می‌شود.

معرفی کارگردان: خانم پدیده برومند طهرانی از سال ۱۳۷۷ فعالیت‌های هنری خود را آغاز و در سال ۱۳۸۱ اولین تجربه‌ی کارگردانی خود را کسب کرده است. جدا از ایفای نقش در فیلم‌های متعدد و نگارش فیلم‌نامه‌های کوتاه و بلند، فیلم کوتاه «بدون غلط» از تازه‌ترین فیلم‌های اوست.

احتمالی موجود در مسیر یادگیری آن‌ها، برای کمک به دانش‌آموزان در فعالیت بیشتر برای یادگیری درس‌ها، بروز احساسات، اصلاح و تقویت بینش‌ها، و مهارت‌ها تلاش می‌شود. معلم به کمک ارزشیابی دانش‌آموز را می‌شناسد و به او کمک می‌کند یاد بگیرد و تلاش کند بهتر یاد بگیرد. فیلم کوتاه «بدون غلط» از جمله فیلم‌های داستانی راه‌یافته به بخش مسابقه‌ی چهل و هشتمین جشنواره‌ی فیلم رشد در بخش بین‌الملل، به این موضوع پرداخته و دغدغه‌های یک دانش‌آموز و اولیای او را در خصوص کسب نمره‌ی بیست به تصویر کشیده است.

مهم‌ترین هدف ارزشیابی توصیفی ایجاد تغییر در دیدگاه‌ها و نگرش مسئولان، مدیران، آموزگاران و والدین نسبت به ارزشیابی تحصیلی است. زیرا اصلی‌ترین سبب کارآمدی پایین روش‌های فعلی، نگاه نادرست به هدف‌های مستتر در هر یک از روش‌هاست که به استفاده‌ی نادرست از آن‌ها منجر می‌شود.

در ارزشیابی توصیفی، تمام تلاش معلم، والدین و خود دانش‌آموز در طول سال صرف فرایند «ارزشیابی از وضعیت یادگیری - تلاش برای یادگیری بهتر - شناخت بیشتر و دقیق‌تر - تلاش برای یادگیری بهتر» می‌شود و دانش‌آموزان فرصت جبران کاستی‌های احتمالی را دارند. این ضعف‌ها و کاستی‌های احتمالی متراکم نمی‌شوند و تا پایان نوبت اول یا سال حفظ نمی‌شوند، بلکه هر زمان که شناسایی شوند، با تدبیر و مشارکت معلم، دانش‌آموز و والدین برطرف می‌گردند.



سبک کردن آموزش علوم دوره‌ی ابتدایی

در این مجموعه گفتارها برآنیم ترندهایی را برای تدریس بهتر علوم در دوره‌ی ابتدایی بیاوریم و نکاتی کاربردی بیان کنیم. تدریس در دوره‌ی ابتدایی شامل گستره‌ی وسیعی است. علاوه بر آنکه با دانش‌آموزی سروکار داریم که برای اولین بار پا به مکان آموزشی گذاشته است، با دانش‌آموزی هم کار داریم که آماده‌ی پا گذاشتن به دوره‌ی بعدی است. توجه دارید که آموزش دانش‌آموز کلاس اولی با آموزش دانش‌آموز سال ششمی هم بسیار متفاوت است. می‌کوشیم مباحث کتاب‌های علوم سال‌های اول تا ششم ابتدایی را به‌طور مجزا بررسی کنیم و کمکی باشیم برای آموزگاران. پیش از آنکه هر پایه را به‌صورت دقیق بررسی کنیم، ذکر این نکته خالی از لطف نیست که به نظر نگارنده، آموزش صحیح، در واقع غیرمستقیم است و در فرایند آموزش، آموزگار تنها نقش راهنمایی و جهت‌دهی را برعهده دارد. او باید کنار دانش‌آموز باشد نه مقابل او. این نوشته را با بررسی کتاب علوم پایه‌ی اول ابتدایی شروع می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: علوم ابتدایی، تقویت حواس، پایه‌ی اول

می‌یابد؟ اصلاً دلیل ایجاد سایه چیست؟ چرا وقتی هوا ابر است، سایه نداریم؟ ...

آموزگار محترم می‌تواند از قبل فهرست بلندی از سؤالات را آماده و در اینجا مطرح کند. لازم نیست خودش به تمام سؤالات پاسخ دهد و لازم نیست همه‌ی دانش‌آموزان به پاسخ صحیح برسند. جوانه‌هایی در ذهن کودک می‌کاریم که شاید سال‌ها بعد به بار بنشینند. در این شرایط است که آموزگار وظیفه‌ی خود را به بهترین صورت انجام داده است. بیشتر از آنکه نگران محفوظات کودک باشیم، بهتر است به آینده‌ای امید داشته باشیم که کودک رشد یافته‌ی ما شروع به پی‌گیری سؤال‌هایش می‌کند.

سنگین‌ترین کار آموزگار، هدایت کودک به سمت درک درست از محیط و دنیای اطرافش است؛ شناخت خورشید و ماه و ستارگان و نقش هر یک و بررسی روز و شب، و طلوع و غروب.

برای آموزش، دقیقاً باید از اتفاقات عادی و دم‌دست دانش‌آموز بهره گرفت. این هنر آموزگار است که او را با این موضوعات درگیر کند. اگر در حیاط مدرسه یا پارک نزدیک مدرسه، حوض یا آب‌نما وجود دارد، می‌توان آزمایش صفحه‌ی ۱۳ کتاب را در این محدوده انجام داد. کودک می‌تواند سنگ، برگ و تکه‌های چوب را داخل حوض یا آب‌نما بیندازد و فرو رفتن و روی آب ماندن آن‌ها را مشاهده کند. هنگام استراحت، می‌توان برای کودک میوه‌ی فصل^۲ را تهیه کرد. بسیار مناسب است که از کودک بخواهیم قبل از خوردن میوه، رنگ پوست، چگونگی خوردن آن و لایه‌های داخلی‌اش، گوشت میوه

دانش‌آموز پایه‌ی اول که برای اولین بار در کلاس و درس علوم حاضر می‌شود، از شناخت شروع می‌کند. این شناخت شامل خود، دیگران و محیط اطراف می‌شود. در کنار معلم، دانش‌آموز با خوب استفاده کردن از حواس خود، خوب دیدن، خوب شنیدن و خوب لمس کردن را می‌آموزد. برای نمونه، یادگیری رنگ‌ها، شنیدن صداهای متفاوت، تشخیص یک جسم از بقیه‌ی اجسام و تشخیص یک صدا از صداهای متفاوت، لمس کردن اجسام نرم و زبر اولین مواجهه‌های تجربی او با علم محسوب می‌شوند.

چقدر زیباست شروع کلاس علوم سال اول در حیاط مدرسه، یا فضای باز یا پارک نزدیک مدرسه! بررسی سایه‌ی دیوارها، حرکت سایه‌ی ابر روی زمین و حرکت سایه‌ی درخت، اولین برخوردهای علمی با تغییرات هستند. اگر دو ساعت بعد از رسم سایه‌ی اول به سایه‌ی دوم مراجعه کنیم (مبحث صفحه‌ی ۱۰ کتاب) می‌توانیم از دانش‌آموز بپرسیم چرا سایه‌های جدید ما در خط‌های قبلی جا نمی‌شوند؟ سایه‌ها کوچک‌تر شده‌اند یا بزرگ‌تر؟ می‌توان برای مقایسه‌ی بهتر، هم قبل از ظهر و هم بعد از ظهر این کار را انجام داد؟ کودک می‌آموزد که سایه، چه هنگام افزایش و چه هنگام کاهش

و هسته‌اش را بررسی کند. معلم نباید از هیچ موقعیتی بگذرد. فرصت خوبی است که به عنوان تکلیف، از کودک بخواهیم برای جلسه‌ی بعد، درباره‌ی سایه‌ها، خورشید، آبنما و میوه یک نقاشی رسم کند و در کلاس درباره‌ی آن توضیح دهد.^۲

به من نگاه کن

عنوان فصل دوم کتاب «به من نگاه کن» است. می‌توان این جلسه را نیز در دامن طبیعت برگزار کرد. از کودک می‌خواهیم در طول مسیر مدرسه تا پارک، هم به صداها خوب گوش دهد و هم به اطراف مسیر نگاه کند. در بدو ورود به پارک، از هر کودک می‌خواهیم درباره‌ی یکی از صداهایی که شنیده یا درباره‌ی یک منظره صحبت کند. از بقیه هم می‌خواهیم به سخنان دوستشان گوش دهند. برای تأکید بر افزایش دقت و حواس جمعی، گاهی اوقات بهتر است مثلاً از حمید پرسیم که وحید چه گفت. برای تقویت حس بویایی، از کودک می‌پرسیم چه بوهایی را در این مکان^۴ استشمام می‌کند؟ آیا بوها خوش هستند یا ناخوش؟ بوها از کجا می‌آیند؟

برای تقویت حس دیداری، می‌توان کودکان را در یک صف، مقابل منظره‌ای مثل حوض یا درخت قرار داد تا هر دانش‌آموز جزئی از این منظره را نام ببرد و جای آن را به بقیه نشان دهد.

فصل سوم کتاب، «سالم باش، شاداب باش»، را می‌توان در کلاس برگزار کرد. مهم‌ترین موضوع این فصل، رعایت بهداشت فردی است. کودک باید در عمل طریقه‌ی صحیح مسواک زدن را بیاموزد. این آموزش نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده‌ی اوست. جا دارد که یک زنگ، تمام کلاس را به کنار آبخوری ببریم تا همه با هم، هم نخ دندان بکشیم و هم صحیح مسواک بزنیم. لازم است یادآوری کنیم از هم اکنون باید نسبت به بوی دهانشان حساس باشند.^۵ این آموزش نوعی عاقبت بخیری برای آموزگار دلسوز است. در آینده، هر گاه کودک مسواک بزند، یاد نیکي از دبیر سال اولش خواهد کرد.

برای آموزش بهداشت محیط می‌توانید کلاس را به چند گروه تقسیم کنید تا هر گروه به نوبت کلاس را تمیز کند. بهترین گروه را تشویق کنید. از کودکان بخواهید برای جلسه‌ی آینده یک نقاشی از ورزش مورد نظرشان را رسم کنند و با خود بیاورند و در مورد آن برای کلاس صحبت کنند. می‌توان از آن‌ها پرسید، ورزش مورد علاقه‌تان به چه لوازمی نیاز دارد؟ چند نفر می‌توانند آن را با هم بازی کنند؟ برای یادگیری این ورزش چه کارهایی باید انجام داد؟ در آخر، اگر ورزش‌هایی جا ماند، دبیر می‌تواند خود را به آن‌ها علاقه‌مند نشان دهد و درباره‌شان برای بچه‌ها توضیح بدهد. در شرایط ایده‌آل تر، می‌توان بچه‌ها را به باشگاهی ورزشی برد (صفحه‌ی ۱۹ کتاب).

کودک چگونه باید موارد ایمنی را رعایت کند؟ برای تعلیم نکات ایمنی، بهتر است خود بچه‌ها با هدایت معلم نمایشی اجرا کنند. برای مثال، ماجرای شخصی که موارد ایمنی را رعایت نکرده و مشکلاتی

برایش پیش آمده است. مثلاً پدر بزرگ یا مادر بزرگ نکات ایمنی را رعایت نکرده و زمین خورده است. اگر کودک با برادر کوچکترش تنهاست، در هنگام بروز حادثه، چه کارهایی باید انجام دهد؟ چگونه با تلفن به اورژانس و به چه شماره‌ای زنگ بزند؟ در این نمایش‌ها می‌توان تفاوت پلیس، آتش‌نشان و اورژانس را به کودک آموخت (صفحه‌ی ۲۴ کتاب).

پس از آگاهی از دنیای پیرامون کودک، به سراغ اندازه‌گیری و سپس مقایسه می‌رویم. بزرگ‌تر و کوچک‌تر بودن، بلندتر و کوتاه‌بودن و یا سبک‌تر و سنگین‌تر بودن و در نهایت گرم‌تر و سردتر بودن را در کنار کودک باید بررسی کرد. بهتر است این کار درباره‌ی بدن خود کودک شروع شود. گرفتن دمای بدن، تعیین بلندی دست‌ها و پاها، و اندازه‌گیری وزن و قد کمک می‌کند کودک در کنار شناخت بدن خود، اندازه‌گیری را نیز بیاموزد.

البته خوب است همین‌جا به حفظ حریم بدن و ممانعت از دست‌زدن به بدن دیگری اشاره‌ای کرد. در این فعالیت هم از دانش‌آموزان می‌خواهیم هر کدام فعالیت را در مورد بدن خود انجام دهد نه دیگری.

برای آموزش مقایسه کردن، خوب است مقادیری را که برای بدن خود به دست آورده است، با دیگر دانش‌آموزان مقایسه کند تا هم‌اندازه بودن یا غیر هم‌اندازه بودن را فرا بگیرد.

می‌توان پرسید کدام ویژگی از بدنتان یکسان است؟ و سؤالاتی از این دست. ظرافت سؤال‌های دبیر، به‌طور غیر مستقیم مقایسه کردن را به کودک می‌آموزد. شاید آموزش مفهوم زمان برای دانش‌آموز سال اول بسیار زود باشد، ولی معلم می‌تواند به‌طور مقایسه‌ای، از





وظیفه‌ی معلم توضیح ارتباط بین شیر آب و تولید آب در طبیعت مانند چشمه، رودخانه و سد است. در این فصل می‌توان به ادامه‌ی موضوع بهداشت فردی پرداخت و به شست و شوی فردی در حمام اشاره کرد و از کودکان خواست به صورت نمایش ساکت^۷، به چگونگی شستن دست و صورت، وضو گرفتن و حمام کردن بپردازند. صرفه‌جویی در مصرف آب را نیز همین جا یادآور شوید. با به جوش آوردن آب می‌توانید چگونگی تولید ابر را و پس از آن با گرفتن یک ظرف آب سرد در بالای آن، می‌توانید چگونگی تولید باران را نشان دهید.

برای بررسی سنگ‌ها می‌توان به کنار رودخانه رفت. یا بگویید هر کودک یک تکه سنگ با خود به کلاس بیاورد. سنگ‌ها را دسته‌بندی کنید. رودخانه، حتی اگر خشک باشد، برای بررسی سنگ‌ها مناسب خواهد بود. در این موضوع، دشت نیز زمینه‌ی مناسبی است. در وسط دشت گاهی اوقات سنگ بزرگی یافت می‌شود. از کودک بپرسید این سنگ‌ها چطور به اینجا آمده‌اند. سنگ‌های جابه‌جا شده را در عکس نیز می‌توان نشان داد؟ نمایش قدرت آب در جابه‌جایی اجسام^۸، دید مناسبی برای درک قدرت نیروهای طبیعی به کودکان می‌دهد.

در بررسی خاک، به دلیل کشاورزی بودن کشور ما، کودک باید رابطه‌ی بین محصولات کشاورزی و خاک را به خوبی بیاموزد. این کار را می‌توان از گلدان کلاس شروع کرد. سپس باغچه‌ی درون مدرسه، پارک نزدیک مدرسه و در آخر بازدید از مزرعه یا زمین کشاورزی. کودک باید میوه و محصول کشاورزی محدودهای را که در آن زندگی می‌کند بشناسد^۹.

تهیه‌ی خاک رس و ساخت ظروف گلی کمترین کاری است که می‌توان در کلاس انجام داد. مهم‌تر از آن، اختصاص گلدانی به هر کودک و درخواست کاشت گیاه در آن است^{۱۰} تا کودک از نزدیک با فرایند رشد گیاه آشنا شود.

کاردستی

به فصل هشتم بازگردیم که معمولاً با یک کار دستی به انجام می‌رسد. چقدر نیکوست که از عوامل محیطی استفاده کنید! در خاطر دارم، کودکی در شمال کشور که در کنار رود و جنگل زندگی می‌کرد، یک چرخ آبی ساخته بود که با آب نهر به چرخش درمی‌آمد. وقتی دبیر تشویقش کرد، چشمانش از شادی برق می‌زد. ممکن است کودکی که در ناحیه‌ی کوهستانی زندگی می‌کند، آبنمای کوچک سنگی بسازد یا کودک جنوبی با لیف خرما حصیر ببافد^{۱۱}.

در فصل دهم، مهم‌ترین نکته، اثبات وجود هوا برای کودک است. کتاب برای این کار آزمایش‌های جالبی ارائه کرده است. ساخت فرفره‌ی کاغذی و فوت کردن به آن، هم فال است و هم تماشا. از کودک بپرسید با چه روش‌های دیگری می‌توان فرفره را به حرکت درآورد؟ اگر بادکنک پربادی را به فرفره نزدیک کنیم و باد آن را

مفهوم زمان استفاده کند. برای مثال، از کودک پرسیده می‌شود زمان کلاس طولانی‌تر است یا زمان زنگ تفریح؟ شب‌ها بیشتر می‌خوابیم یا بعد از ظهرها؟ در طول شبانه‌روز چقدر باید بخوابیم؟ چقدر طول می‌کشد تا به مدرسه برسیم؟

در دو فصل جانوران و گیاهان، آموزگار محترم بهتر است فهرستی از جانوران و گیاهان بومی محیط تهیه کند، زیرا به دلیل وسعت کشور، نمی‌توان فهرستی واحد برای کل کشور تهیه کرد. ولی در هر منطقه، لزوماً حیوان یا جانوری بومی وجود دارد که باید توسط خود کودک شناسایی شود^۵.

در کتاب به پختن نان اشاره شده است. تجربه‌ی خوبی خواهد بود همراه بچه‌ها به نانواپی رفتن و فرایند طبخ نان را از نزدیک مشاهده کردن. اگر ممکن است، قطعاتی از خمیر را در اختیارشان قرار دهید تا شکل آن را به دلخواه خود شکل و نقش دهند. در نهایت که نان پخته شده در اختیارشان قرار می‌گیرد، تجربه‌ی بسیار جالبی خواهد بود. کودک می‌تواند در حین خوردن نان به این سؤالات پاسخ دهد: چه نوع نان‌هایی را می‌شناسید؟ در خانه‌ی شما بیشتر کدام نان خورده می‌شود؟ شما کدام نان را دوست دارید؟ و چرا؟

آب، خاک و سنگ

در سه فصل ششم، هفتم و نهم کتاب به سه ویژگی مهم زمین اشاره شده است؛ آب داشتن، سنگی و خاکی بودن. در مورد آب، از کودک پرسیده می‌شود آب چگونه به دست می‌آید؟^۶ مهم‌ترین

به پره‌های فرفره بگیریم، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر شعله‌ی شمعی را زیر یک لیوان قرار دهیم، چه اتفاقی برایش خواهد افتاد؟ تهیه‌ی آرمیچری کوچک و وصل کردن یک پروانه‌ی پلاستیکی به آن و به حرکت درآوردن آن با یک باتری کتابی هم تجربه‌ی جالبی برای کودک خواهد بود. در بخش دنیای گرم و سرد، علاوه بر آزمایش‌های کتاب، می‌توان با مقداری آب سرد داخل یخچال و یک کتری آب جوش، در پنج لیوان، آب را با دماهای متفاوتی ریخت و از کودک خواست لیوان‌ها را از آب سرد تا بسیار گرم مرتب کند تا مفهوم اختلاف دما را درک کند. پس از آزمایش صفحه‌ی ۷۴ کتاب که به دو ورق سیاه و سفید مربوط است، از کودک بپرسید سقف خانه‌ها را بهتر است سیاه کنیم یا سفید؟ سپس بحث را به مناطق گرمسیر و سردسیر و کاربرد این آزمایش در هر نقطه از کشور تعمیم دهید. در صفحه‌ی ۷۹ کتاب سؤال شده است در کدام وسیله همراه گرما نور هم تولید می‌شود؟ با توجه به این سؤال و برای درگیر کردن ذهن کودک با مفهوم تابش گرمایی، می‌توان سؤال کرد چرا آن طرف از صورتان که به سمت بخاری برقی و یا آتش بخاری می‌گیریم، گرم‌تر می‌شود؟

اهمیت فصل از خانه تا مدرسه، به غیر از بررسی راه‌های بین خانه تا مدرسه، در آموزش اصطکاک و استفاده از چرخ است. در آزمایش صفحه‌ی ۸۵ کتاب که کودک کتابی را روی تعدادی مداد می‌کشد، می‌توان پرسید به جای مدادها از چه وسیله‌ای استفاده کنیم؟ سپس می‌توان با مقوا یک گاری درست کرد و با مقوا یا قرقره برای آن چرخ ساخت و آن را با سنجاق ته‌گرد به گاری وصل کرد.

چرا قایق به چرخ نیازی ندارد، در صورتی که ماشین به چرخ نیاز دارد؟ این پرسش کودک را به درک تفاوت اصطکاک هدایت می‌کند. ساخت موشک و پرتاب آن و اجرای مسابقه‌ی پرتاب موشک بین بچه‌های کلاس می‌تواند به دقت بیشتر کودکان به حرکت هوا کمک کند. برای بررسی حرکت هوا، بادبادک هوا کردن بسیار عالی است. برای آموزش جهت حرکت و نیرو می‌توان از پرتاب توپ به سمت حلقه‌ی بسکتبال یا ارسال توپ به سمت دروازه استفاده کرد.

در بخش آهن‌ربای من، توجه کودک را به این نکته جلب کنید که آهن‌رباها قدرت‌های متفاوتی دارند و از فاصله‌های متفاوتی یکدیگر را

جذب می‌کنند. امتحان کنید به هر آهن‌ربا چند میخ آهنی می‌توان آویخت و قدرت آهن‌رباها را بر حسب تعداد میخ‌های آویخته به آن‌ها مقایسه کنید. برای شروع این درس می‌توان به عمد تعدادی سنجاق را کف کلاس ریخت و از کودکان پرسید برای جمع‌آوری این سنجاق‌ها چه روش‌هایی را پیشنهاد می‌کنید. پس از بالا گرفتن بحث، آهن‌رباها را به آن‌ها بدهید تا شروع به جمع‌آوری سنجاق‌ها کنند. در درس اشاره شده است که در هر وسیله‌ی برقی خانه از آهن‌ربا استفاده شده است؛ مانند چرخ گوشت و پنکه. می‌توان یک آرمیچر کوچک را سر کلاس باز کرد و آهن‌رباهای درونش را بیرون آورد و نشان داد. در آخرین فصل کتاب، در کنار ساختن شمع با روش کتاب، یک پرتقال را از وسط نصف کنید. پره‌های نیمه‌ی بالایی را با احتیاط درآورید، به گونه‌ای که خط سفید وسط پرتقال آسیبی نبیند. اکنون دور این خط سفید را دستمال کاغذی بپیچید و درون پرتقال روغن خوراکی بریزید. شمع پرتقالی شما آماده است و با شعله‌ی نارنجی رنگ زیبایی محیط را روشن می‌کند. دلتان روشن باد! در شماره‌های بعد، کتاب‌های درس علوم پایه‌های دیگر را بررسی خواهیم کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این فصل مقارن پاییز تدریس می‌شود. بنابراین، پرتقال و نارنگی مناسب هستند.
۲. تکلیف و پرسش غیرمستقیم.
۳. نگارنده بارها حتی به دانش‌آموزان سال‌های آخر دبیرستان هم تذکر داده است که نسبت به بوی دهان و بدنشان حساس باشند.
۴. برای مثال، درخت چنار بومی تهران است که از نگاه کردن به آن سیر نخواهید شد.
۵. اگر پاسخ کودک شیر آب بود، شوکه نشوید؛ به ویژه در شهرهای بزرگ!
۶. پانتومیم.
۷. مثلاً با موبایل آموزگار می‌توان حرکت کامیون در سیل را به دانش‌آموزان نشان داد. در این صورت خواهید دید دانش‌آموزان چه فیلم‌های جالبی را در این زمینه برایتان خواهند آورد.
۸. حتی در شهرهای بزرگی مانند تهران نیز می‌توان دانش‌آموزان را به شهر ری یا ورامین برد تا مزرعه‌های سبزی کاری را از نزدیک ببینند.
۹. گیاه شاهی به دلیل رشد سریعش بسیار مناسب است.
۱۰. کودک ساکن شهرهای بزرگ و دور از طبیعت نیز می‌تواند با وسایل ساده و با ابتکار خود چیزی بسازد. معلمی از دانش‌آموزان خواسته بود با یک بسته خلال دندان و چسب نواری، هر شکلی که می‌توانند بسازند. خود نیز در کنار بچه‌ها مثلث، مربع و دیگر شکل‌های هندسی را ساخته بود.



گاز شیرین با جوش شیرین

افزایش مشارکت دانش‌آموزان در انجام آزمایش‌های کتاب



نام و موضوع درس: علوم سوم ابتدایی، بازتابش منظم و بازتابش نامنظم
ایده‌پرداز: فاطمه محمدی
نوع تجربه: طراحی آزمایش

هدف: دانش‌آموز در این طرح و با انجام این آزمایش یاد می‌گیرد وقتی نور به جسمی صاف و صیقلی برخورد می‌کند، به‌طور منظم بازتابش پیدا می‌کند و وقتی به جسم ناصاف و غیرصیقلی برخورد می‌کند، بازتابش آن نامنظم خواهد بود.

وسایل لازم: یک بطری پلاستیکی مثل بطری نوشابه‌ی خانواده؛ چراغ‌قوه‌ی لیزری؛ دو ورق کوچک آلومینیومی (مثل روکش کیک) یکی صاف و دیگری چروک؛ کبریت.

شرح

ابتدا هر دو تکه ورق آلومینیومی را با فاصله‌ی کمی از هم داخل بطری قرار می‌دهیم. کبریت را روشن و پس از چند ثانیه خاموش می‌کنیم. دود آن را داخل بطری جمع می‌کنیم و سریع در بطری را می‌بندیم. نور لیزر را روی ورق آلومینیومی صاف می‌گیریم. بازتابش نور را به‌طور واضح و منظم مشاهده می‌کنیم. در مرحله‌ی بعد، نور لیزر را روی ورق آلومینیومی چروک می‌گیریم. بازتابش نور به‌صورت پخش و نامنظم است. بهتر است این آزمایش در تاریکی انجام گیرد.



نام و موضوع درس: علوم سوم ابتدایی، خاصیت گاز
ایده‌پرداز: فاطمه محمدی
نوع تجربه: طراحی آزمایش

هدف: دانش‌آموز با انجام این آزمایش، با خاصیت گاز (پخش‌شوندگی گاز در همه‌جا) آشنا می‌شود.

وسایل لازم: یک بطری شیشه‌ای مات یا رنگی؛ یک بادکنک؛ مقداری جوش شیرین؛ مقداری سرکه.

شرح

ابتدا در بطری شیشه‌ای مقداری سرکه می‌ریزیم. مقداری جوش شیرین هم داخل بادکنک می‌ریزیم. بادکنک را روی در بطری قرار می‌دهیم، به‌طوری‌که جوش شیرین داخل بادکنک روی سرکه‌ی داخل بطری بریزد. در این هنگام، از ترکیب جوش شیرین و سرکه گاز تولید می‌شود. این گاز وارد بادکنک می‌شود و باعث باد شدن آن می‌شود. این آزمایش برای دانش‌آموزان جالب و مهیج است. علت اینکه در این آزمایش از بطری شیشه‌ای رنگی استفاده می‌کنیم، این است که دانش‌آموز از محتویات داخل بطری مطلع نشود و خودش با پرسش از پدر و مادر و تحقیق، از مواد استفاده شده در این آزمایش باخبر شود.

دانش آموز من ویتامین کلاس است

آموزش علوم به صورت نمایش گروهی



کتاب علوم پایه‌ی چهارم دوره‌ی ابتدایی، به توضیح شکل و کار برخی از اندام‌ها و دستگاه‌های داخلی بدن انسان می‌پردازد. بعد از تدریس چندساله‌ی این درس‌ها به این نتیجه رسیدم که چون در این درس‌ها آزمایشی برای دانش‌آموزان طراحی نشده است، این مطالب دیرتر از بقیه‌ی مطالب در ذهن دانش‌آموزان شکل می‌گیرند. به ذهنم رسید بخش فیزیولوژی علوم دوره‌ی ابتدایی را به شکل یک بازی - نمایش گروهی در بیاورم تا جذابیت آن برای دانش‌آموزان بیشتر شود تا دانش‌آموزان بیشتری در کلاس در یادگیری این مطالب موفق باشند.

در این بازی، به هر کدام از دانش‌آموزان نقش یکی از اندام‌ها را دادم. مفاهیم مربوط به آن اندام را به صورت شعر درآوردم. دانش‌آموزان هم کارت‌هایی تهیه کردند که نماد ویتامین، پروتئین، هیدروکربن، اکسیژن، کربن دی اکساید، اسید اوره، آب و بودند.

داستان این نمایش از جایی شروع می‌شود که دانش‌آموزی در نقش علی روز بعد امتحان علوم دارد، اما چیزی بلد نیست. از منزل خارج می‌شود و زیر درختی به خواب می‌رود. چون در فکر آزمون علوم روز بعد است، در خواب، درخت و تمامی اندام‌های بدن با او شروع به صحبت می‌کنند و نقش خود و ارتباطشان با دیگر اندام‌ها را بیان می‌کنند و از طریق کارت‌های نمادین، دادوستد مواد را انجام می‌دهند. برای مثال، شش اکسیژن را به سیاهرگ می‌دهد و کربن دی اکساید را از سرخرگ می‌گیرد و از راه نای و بینی خارج می‌کند. وقتی داستان کار اندام‌ها به پایان می‌رسد، دو دانش‌آموز در نقش ویروس و باکتری ایفای نقش می‌کنند و شکل ورود خود را به بدن علی بیان می‌کنند. در انتها، دانش‌آموزی که نقش گلبول سفید را دارد، به دفاع از بدن می‌پردازد و راه مبارزه با ویروس و باکتری را بیان می‌کند.

در انتها، علی از خواب بیدار می‌شود و به خانه می‌رود، اما وقتی کتاب علومش را ورق می‌زند، می‌بیند تمامی مطالب کتاب را در خواب دیده و آن‌ها را بلد است.

هر دانش‌آموزی نقش خود را می‌داند و چون با بقیه‌ی اندام‌ها در ارتباط است، شکل ارتباط کلامی از راه شعر است و کارت‌های

نمادین مواد مورد نیاز بدن بین آن‌ها جابه‌جا می‌شود. این ارتباط در ذهن دانش‌آموز نهادینه می‌شود.

حاصل کار این بازی - نمایش، ایجاد انگیزه‌ی بسیار بالا برای یادگیری، فعال بودن تمامی دانش‌آموزان و آموزش عمیق مطالب کلاس است، به این شکل که حتی بعد از چند ماه، دانش‌آموزان ضعیف‌تر کلاس هم توان پاسخگویی به سؤالات را داشتند.



برای تماشای فیلم این تجربه‌ی آموزشی، بارکد مقابل را اسکن کنید.

خاطره‌ی نخستین روز تدریس آفرین گل پسر خلبان

طبقه بود. تعدادی دانش‌آموز در چند صف کوچک ایستاده بودند. بعضی از صف‌ها تنها یک دانش‌آموز داشتند. دو ردیف بلوک روی هم گذاشته شده بود که محدوده‌ی حیاط خانه را مشخص می‌کرد. در ورودی وجود نداشت. طبقه‌ی بالا منزل مسکونی بود و صاحب خانه به دلیل نبود مدرسه در آن منطقه، ساختمان نیمه‌کاره‌ی خود را به مدرسه اختصاص داده بود.

همراه پدر وارد حیاط مدرسه شدم. مدیر آموزگار که در حال صحبت کردن بود، مرا به عنوان معلم جدید به دانش‌آموزان معرفی کرد. بیرون از مدرسه مادران نگرانی ایستاده بودند که فرزندان خود را تماشا می‌کردند و به نوبت می‌آمدند و با احترام با مدیر آموزگار صحبت می‌کردند. از جوان بودن من نگران بودند و از کار معلم سال گذشته تعریف می‌کردند که معلمی سن بالا و با سابقه بود. به آن‌ها گفتم: «در دانشگاه مخصوص تربیت معلم درس خوانده‌ام و اگر چه کم تجربه هستم، اما به صورت تخصصی و علمی درس معلمی خوانده‌ام». سعی کردم با این حرف‌ها خیالشان را راحت کنم.

از تمام ساختمان تنها یک اتاق را به مدرسه اختصاص داده بودند. وسط اتاق یک دیوار کوچک کشیده بودند که فضا را دو قسمت می‌کرد. یک قسمت برای کلاس من و قسمت دیگر مختص کلاس همکارم؛ اتاقی که حتی یک پنجره هم رو به بیرون نداشت، با یک لامپ کم‌نور زرد که تلاش می‌کرد به فضای مرده‌ی اتاق اندکی نور و روشنایی ببخشد. برای بیرون رفتن از کلاس درس حتماً باید از اتاق همکارم عبور می‌کردم، چون اتاق خودم حتی دری رو به بیرون نداشت.

رویارویی با دانش‌آموزان

دانش‌آموزان منظم و مرتب سر جایشان نشسته بودند و مشتاق و منتظر بودند و در عین حال برق شیطننت در چشمانشان بود. دوباره یاد حرف استاد مرتضوی افتادم که می‌گفت: «با دانش‌آموزان صمیمانه برخورد کنید، اما خیلی صمیمی نشوید». سعی کردم از همان روز اول کاری کنم که مرا دوست داشته باشند و در عین حال جدی باشم تا بتوانم مانع از بعضی بازیگوشی‌های آن‌ها شوم. وقتی آن همه چشم‌های منتظر را دیدم، همه‌ی حرف‌هایی

معلم شدن، آرزوی دیرینه‌ی من، در یک قدمی‌ام بود و من هر راه لازم را طی کرده بودم تا در کسوت معلمی بقیه‌ی روزهای زندگی‌ام را سپری کنم. مدت زیادی بود که با دوستان منتظر روز «پست‌بندی» بودیم. دلهره داشتیم که اولین سال تدریس را کجا خواهیم بود؟ مدرسه‌ی شهری یا روستایی؟ کلاس‌های تک‌پایه یا چندپایه؟ و یا اصلاً کدام پایه را تدریس خواهیم کرد؟ با خودمان می‌گفتیم کاش حداقل بیست روز قبل از مهر پست‌بندی کنیم تا بتوانیم وسایل کمک آموزشی مورد نیاز و طرح درس‌هایمان را آماده کنیم و روز اول مهر دست پر به مدرسه برویم. بر خلاف خواسته‌ی ما روز سی و یکم شهریور، یعنی یک روز قبل از شروع سال تحصیلی، مشخص شد که محل خدمت ما کجاست!

ساعت سه و نیم عصر همراه با پدر به اداره‌ی آموزش و پرورش بویراحمد مراجعه کردم. پس از انتظار بسیار، بالاخره یک مدرسه را که نسبت به بقیه‌ی مدرسه‌ها نزدیک‌تر بود انتخاب کردم و ابلاغم را گرفتم. در مسیر دو مرد را دیدم که به سمت می‌آمدند. آن دو شروع کردند به صحبت کردن با من و پدرم. یکی از آن‌ها که مدیر آموزگار مدرسه بود، روی یک برگه کروکی نشانی مدرسه را برایم کشید و گفت: «مدرسه‌ی ما شرایط خاصی دارد که فردا خودتان متوجه خواهید شد. البته شرایط به گونه‌ای نیست که نتوانید تحمل کنید.»

آن شب به فردا فکر می‌کردم؛ به اولین حرف‌هایم به عنوان آموزگار، لباسی که باید بپوشم، قدم زدنم و حرکاتی که شایسته‌ی معلم است. به یاد حرف‌های استاد مقیمی افتادم که می‌گفت: «معلم شدن چه آسان است و معلمی کردن چه دشوار. معلم داریم که سرشار از دانش، شوق به یادگیری و یاددهی و پر شور و نشاط است و معلم هم داریم که وجودی مالا مال از خمودگی و سستی دارد. به تمام حرکاتشان دقت کنید که از همان ابتدا الگوی دانش‌آموزان هستید.»

روز اول مهر

انتظار داشتم دبستانی که می‌روم مانند بقیه‌ی مدرسه‌ها باشد؛ مدرسه‌ای با دیوارهای رنگ‌آمیزی شده که روی هر دیوار طرحی باشد با جمله‌ای؛ مدرسه‌ای با دانش‌آموزان فراوان و یک کادر دفتری. از دور یک منزل مسکونی دیدم. دو

راهنمایی‌های ارزشمند استاد

ناراحتی‌هایی از نخستین روز کاری‌ام در دلم بود؛ ناراحتی‌هایی به‌خاطر مشکلات پیش رویم؛ مشکلاتی از قبیل سختی رفت و آمد، فضای نامناسب فیزیکی کلاس درس و مدرسه و حیاط مدرسه، ناآشنا بودن با منطقه و خانواده‌ها، جوان و کم‌تجربه بودن خودم که باعث می‌شد اولیا دیرتر مرا بپذیرند، کم‌سواد بودن اولیا، دویانه بودن کلاس درس، شیطنت‌های احتمالی دانش‌آموزان و گونی‌های کاه که ساختمان نیمه‌کاره‌ی مدرسه را احاطه کرده بودند.

برای رهایی از سردرگمی‌های آن روز با استاد مرتضوی‌زاده تماس گرفتم و ماجرای آن روز را برایش تعریف کردم. برخلاف ناامیدی من، استاد به من تبریک گفت و توصیه کرد برای سال بعد هم مدرسه‌ی چندپایه انتخاب کنم. توصیه کرد طرح درس‌هایم را آماده کنم، از روش هم‌شاگردی و معلم‌یار استفاده کنم و حتی از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر هم برای کنترل دانش‌آموزانم، هنگامی که بیرون از کلاس درس هستند یا برای آموزش، استفاده کنم. توصیه کرد با هم‌فکری دانش‌آموزان قوانین کلاس درس را بنویسم و از نظراتشان استفاده کنم. سپس از همه‌ی آن‌ها امضا بگیرم و با این کار به آن‌ها شخصیت بدهم. بعد هم قوانین را به دیوار کلاس نصب کنم و هر روز برایشان تکرار کنم تا فراموش نکنند. کتاب‌های متعددی، هم در زمینه‌ی تدریس و هم در زمینه‌ی روان‌شناسی، معرفی کرد. توصیه کرد جلسه‌ای ترتیب دهم و اولیا را دعوت کنم. گفت: «حرف‌هایت را از قبل بنویس. درباره‌ی آنچه می‌خواهی بگویی خوب مطالعه کن. انتظارات را بیان کن و مسلط و با اعتماد به‌نفس باش. به آن‌ها بگو نظرات همه‌ی شما محترم است و خوش‌حال می‌شوم از نظراتتان استفاده کنم، اما در تدریس حرف آخر را معلم می‌زند و با این کار اجازه‌ی دخالت‌های اضافی را به آن‌ها نده.» آن شب بعد از صحبت کردن با استاد، خیالم راحت شده بود. احساس می‌کردم فردا صبح می‌توانم با دیدگاهی متفاوت‌تر و برنامه‌ای مشخص و هدفمند وارد کلاس درس شوم. بی‌شک، این روز خاطره‌انگیز که با مخلوطی از احساسات خوش‌حالی و ناراحتی همراه بود، در آن گوشه از قلبم که جایگاه ثابت‌ترین‌هاست، می‌ماند و روزی با یادآوری آن لبخندی بر لبم می‌نشیند و به خودم می‌بالم که در اوج محرومیت‌ها دلم نلرزد و با قدرت ایستادم و دانش‌آموزانم را به مثابه‌ی گل‌های خوشبوی گستره‌ی دشت تجربه و دانش‌اندوزی یافتیم!

را که برایشان آماده کرده بودم فراموش کردم. نمی‌دانستم چه بگویم. اول باید خودم را معرفی می‌کردم یا چیز دیگری می‌گفتم؟ قوانین کلاس را چه زمانی مطرح می‌کردم؟ آن لحظه احساس می‌کردم همه‌ی آنچه در طول دوران تحصیلم آموخته‌ام، برای یک ثانیه صحبت کردن سر کلاس هم کافی نیست. یاد جمله‌ی دیگر استاد افتادم که «معلم خوب معلمی است که مادام‌العمر دانش‌آموز باشد» با خودم عهد بستم از همان روز اول شروع کنم به مطالعه‌ی عمیق‌تر.

بعد از معرفی خودم، از دانش‌آموزان خواستم خودشان را معرفی کنند. سپس از کلاس اولی‌ها خواستم نقاشی بکشند. می‌خواستم بدانم از لحاظ فعالیت‌های دست‌ورزی، مانند رنگ کردن و کشیدن خط، در چه سطحی هستند. از کلاس دومی‌ها هم خواستم خاطره‌ای از سال گذشته و یکی از آرزوهایشان بنویسند. می‌خواستم متوجه شوم تا چه حد حروف را می‌شناسند و تا چه اندازه نیاز به یادآوری مجدد دارند. از طرف دیگر، می‌توانستم با شخصیت هر کدام اندکی آشنا شوم و مشکلاتشان از قبیل جدانویسی یا فشرده‌نویسی را تشخیص دهم. در این کلاس چندپایه زنگ تفریح نداشتم. می‌دانستم تفریح معلم در کلاس چندپایه به اندازه‌ی خوردن یک لیوان چای یا آب است. اما ما از خوردن همین لیوان چای هم محروم بودیم، چون در مدرسه نه آبدارخانه‌ای بود و نه لوله‌ای برای خوردن آب. دیوار مدرسه کوتاه بود و می‌توسیدم دانش‌آموزان را به تنهایی از کلاس بیرون کنم. لازم بود خودم همراهشان بروم. آن‌ها را به حیاط بردم و اجازه دادم بازی کنند. مدیر آموزگار به من گفت: «سعی کن به آن‌ها فعالیت‌هایی بدهی که در کلاس بمانند، چون حیاط مدرسه برایشان خطرناک است و ممکن است از حیاط بیرون بروند.»

دانش‌آموزان را به کلاس برگرداندم. از کلاس دومی‌ها خواستم یکی‌یکی نوشته‌هایشان را بخوانند. از دانش‌آموزان دیگر هم خواستم به حرف‌های دوستانشان گوش بدهند و نظر بدهند چگونه هر کس می‌تواند به آرزویش برسد و اینکه آن‌ها چه کمکی می‌توانند بکنند تا دوستانشان به آرزوهایشان برسند. موضوع برایشان جذاب بود. با شوق گوش می‌دادند و نظراتشان را می‌گفتند. من هم یکی‌یکی نوشته‌های بچه‌ها را می‌دیدم و به آن‌ها بازخورد می‌دادم. سعی می‌کردم بازخوردها مطابق نوشته‌ها باشد. مثلاً برای دانش‌آموزی که آرزو داشت در آینده خلبان شود نوشتم: «آفرین بر تو گل پسر خلبان!»

و همه چیز از آب زنده است

روز جهانی آب و اهمیت حفظ آب

دوم فروردین روز جهانی آب است. آب، منابع آب و حفظ مدیریت منابع آب به دانشی گسترده تبدیل شده است. کشورهای بسیاری می کوشند دانش و آگاهی خود را درباره ی مدیریت آب توسعه دهند. در آینده ای نه چندان دور، کشورهایی که توانسته باشند منابع آب خود را مدیریت کنند، می توانند نقش مؤثری در جامعه ی جهانی داشته باشند. این گونه است که کشورهایی در دنیا می کوشند نسل جوان خود را نسبت به دانش آب، دانش غذا، کشاورزی، کشت و کار و انرژی های نو حساس کنند.

زمان اجرا: آبان ماه

زمان لازم: یک هفته برای جمع آوری انفرادی اطلاعات و ثبت گزارش از روند کار و نتایج؛ و دو جلسه ی ۵۰ دقیقه ای در کلاس به صورت گروهی.

روش اجرا: ثبت گزارش های انفرادی و گروهی.

پایه ی تحصیلی مرتبط: سوم

ابزار لازم: کاغذ، قلم، ظرف بزرگ در دار (قابلمه)، بطری آب ۲۵۰ سی سی

شرح: از بچه ها خواستم به مدت یک هفته هر مقدار آبی را که در قمقمه ی مدرسه یا لیوان آب خود و افراد خانواده شان باقی می ماند، در ظرفی بزرگ بریزند. در آخرین روز هفته، مقدار آب باقی مانده در ظرف را ابتدا تخمین بزنند و سپس برای امتحان درستی حدس خود، از یک بطری آب ۲۵۰ سی سی کمک بگیرند و مقدار درست را یادداشت کنند و به کلاس بیاورند. مهارت تخمین زدن به اندازه ای اهمیت دارد که باید از هر فرصتی برای ایجاد فضای مناسب و ارائه ی تمرین های مرتبط با آن بهره گرفت. هنگام بررسی گزارش ها و با توجه به کم بودن تعداد تخمین های درست، به من آموزگار ثابت شد جای این گونه تمرین ها در کتاب ها و طرح درس ها خالی است.

بچه ها گروه بندی شدند. قرار شد ابتدا گزارش های فردی خود را در گروه بررسی کنند. در نهایت هم هر گروه مقدار آب و تعداد نفرات آزمایش کننده را حساب کند و به کلاس گزارش دهد.

گروه ۱ (متشکل از سه دانش آموز):

تعداد نفرات آزمایش کننده (بچه ها به همراه خانواده): ۱۰ نفر

مقدار آب باقی مانده: حدود ۱۵۰۰ سی سی

گروه ۲ (متشکل از چهار دانش آموز):

تعداد نفرات آزمایش کننده: ۱۲ نفر

مقدار آب باقی مانده: ۲۱۵۰ سی سی

گروه ۳ (متشکل از چهار دانش آموز):

تعداد نفرات آزمایش کننده: ۱۳ نفر

مقدار آب باقی مانده: حدود ۱۱۰۰ سی سی

گروه ۴ (متشکل از سه دانش آموز):

تعداد نفرات آزمایش کننده: ۸ نفر

مقدار آب باقی مانده: ۴۵۰ سی سی

بچه ها درگیر عملیات ریاضی و جمع کردن اعداد شدند. وقتی نتایج گروه ها مشخص شد، آن ها را روی تخته نوشتند. از بچه ها خواستم یک نتیجه ی کلی را هم برای کلاس مشخص کنند.

نتیجه ی کلی کلاس

تعداد نفرات آزمایش کننده: ۴۳ نفر

مقدار آب باقی مانده: حدود ۵۲۰۰ سی سی (پنج لیتر)

با توجه به اینکه بچه ها می دانستند ۱۰۰۰ سی سی برابر ۱ لیتر است، به راحتی توانستند به سؤال بنده درباره ی تبدیل واحد سی سی به لیتر پاسخ دهند.



خداوند حکیم در قرآن کریم، سوره‌ی انبیا، آیه‌ی ۳۱ به زندگی‌بخشی آب و همچنین تدبیر و تعقل در آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها (در دیگر آیات) اشاره دارد. آموزگاران گرمی با توجه به این مباحث می‌توانند فعالیت‌های دیگری را در کلاس به انجام برسانند.



که گفته شد، بسیار بزرگ بود! سعی کردم فضای کلاس را از عدد خارج کنم و شرایط درس علوم اجتماعی را در کلاس برقرار کنم. شروع به بحث و گفت‌وگو کردیم که چقدر ناآگاهانه در حال هدر دادن آب هستیم، زیرا هر روز همین مقدار آب را به‌عنوان آب اضافی و دهنی دور می‌ریزیم! از اهداف درس اجتماعی، مشارکت، تعامل گروهی، تفکر انتقادی و حل مسئله است که در این تجربه به خوبی به آن پرداخته شد.

اشاره به اهمیت آب، منابع آب و حفظ آن و ارائه‌ی راه‌حل برای استفاده‌ی بهینه و آشنایی با مفهوم چرخه‌ی آب، از اهداف درس علوم تجربی است که سعی شد در فضای گفت‌وگوی گروهی به آن پرداخته شود. ثبت گزارش، نوشتن نتایج و درک مفهوم سؤالات مطرح شده، از اهداف مهم درس فارسی است که در این تجربه به آن پرداخته شد.

در انتها، یکی از بچه‌ها پیشنهاد بسیار خوبی داد: این مقدار آب باقی‌مانده را به گلدان‌ها بدهیم تا آب هدر نرود. اهمیت حفظ منابع خدادادی، اسراف نکردن نعمت‌های خداوند و شکرگزار نعمت‌های پروردگار بودن و نقش آب در طهارت و وضو، از اهداف مهم درس‌های هدیه‌های آسمانی و قرآن است که در این تجربه‌ی تلفیق درس‌ها به آن‌ها هم پرداخته شد.

اگر حفظ آب و منابع آبی به موضوع ذهنی جوانان، نوجوانان و کودکان تبدیل شود، آن‌ها حتماً راه‌حل پیدا می‌کنند؛ حتماً.

به بچه‌ها یادآور شدم، این نتایج تنها در مدت زمان یک هفته و آن هم برای ۴۳ نفر از مردم ایران اتفاق افتاده است. از آن‌ها خواستم تصور کنند، اگر در کشور ما فقط همین ۴۳ نفر زندگی می‌کردند، در یک سال چقدر آب ممکن بود دور ریخته شود؟ تجزیه و تحلیل و درک مفهوم این سؤال شاید کمی برای بچه‌ها سخت بود، اما به قدری برایشان جالب بود که با جدیت و علاقه سعی کردند جواب را پیدا کنند. انگیزه و فعالیتی که شاید در کلاس ریاضی کمتر اتفاق بیفتد.

از اهداف ریاضی می‌توان به درک مفهوم جمع و کسب مهارت‌های لازم در انجام آن، تبدیل واحدهای اندازه‌گیری میلی‌لیتر به لیتر و درک مفهوم عملیات تناسب روی اعداد اشاره کرد که به خوبی در این تجربه به آن پرداخته شد.

در نهایت، بچه‌ها نتوانستند به جواب برسند. با توجه به اینکه آن‌ها هنوز مهارت لازم در مفهوم ضرب و تقسیم را به خوبی کسب نکرده‌اند (به‌خصوص در اعداد چندرقمی)، این اتفاق خیلی دور از ذهن نبود، ولی می‌توانستیم از تخمین زدن کمک بگیریم. تخمین‌ها زده شد.

در نهایت، با راهنمایی من، بچه‌ها به عددی حدود «۲۵۰ لیتر» رسیدند! عدد بسیار بزرگی بود و باعث تعجب آن‌ها شد! در همین موقع، یکی از بچه‌ها سؤال مطرح کرد: کشور ما حدود ۸۰ میلیون جمعیت دارد. اگر آن‌ها به همین شکل آب مصرف کنند، در یک سال چه مقدار آب دور ریخته می‌شود؟ عددهایی



عکاس: احمد رضا کریمی

۱ آبان، روز آمار و برنامه‌ریزی

امروزه از آمار به عنوان علمی یاد می‌کنند که در شاخص‌های توسعه نقش بسزایی دارد. داشتن آمار دقیق و جست‌وجو در ارقام و اطلاعات، کار دولت‌ها را در برنامه‌ریزی برای آینده آسان‌تر می‌کند. اداره‌ی کشور به برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اعمال مدیریت نیاز دارد و هیچ کدام از این موارد، بدون برخورداری از اطلاعات قابل اطمینان، امکان‌پذیر نیست. برای اداره‌ی جامعه، داشتن اطلاعات و آمار دقیق شرط اول است. نظام آماری کشور وظیفه دارد اطلاعات و آمار لازم را در دسترس محققان دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های تحقیقاتی و دستگاه‌های برنامه‌ریزی قرار دهد.



۱۴ آبان روز فرهنگ عمومی

تعیین یک روز خاص برای یک مناسبت و نام‌گذاری آن، نشان از اهمیت آن موضوع دارد و به گونه‌ای توجیه‌کننده‌ی سیاست‌های کلان نظام محسوب می‌شود. بزرگ‌نمایی این مناسبت‌ها در روزهای خاصی از سال، به گونه‌ای آن موضوع را برای افراد جامعه مطرح و بارز می‌کند. بی‌شک فرهنگ عمومی هر جامعه یکی از اولین بخش‌های آن جامعه است که در برابر وقایعی که جامعه را به سعاد یا سقوط سوق می‌دهند، نقش کلیدی و بنیادی دارد و شاید یکی از اولین ملزومات جامعه‌ی بانشاط و امن، نهادینه کردن این رفتارها و هنجارها در قالب فرهنگ‌سازی عمومی و همه‌جانبه باشد.



۷ آبان، شهادت امام رضا علیه السلام

مأمون که برای حفظ حکومت خود امام رضا علیه السلام را از مدینه به مرو آورده بود و با ترفندهای خود و اطرافیان به اهداف خود نرسیده بود، تصمیم گرفت آن حضرت را به گونه‌ای از میان ببرد. ولی کاملاً مراقب بود مسئله‌ی جدیدی برای حکومتش پیش نیاید. لذا با مسموم کردن آن حضرت به هدف خود رسید. امام علیه السلام در روز آخر صفر بر اثر زهر مسموم شد و دعوت حق را لبیک گفت و به اجداد پاکش پیوست. طبق نظر بیشتر علما و مورخان، سال شهادت حضرت ۲۰۳ قمری بوده است.

۸ آبان، هجرت پیامبر اکرم صلوات الله علیه از مکه به مدینه

واقعه‌ی هجرت حضرت محمد صلوات الله علیه، پیامبر اسلام، و همراهانش از شهر مکه به یثرب در سال ۶۲۲ میلادی/۱ قمری صورت گرفت. این واقعه به ایجاد اولین حکومت اسلامی در یثرب (مدینه) انجامید و به علت اهمیتش در اسلام، مبدأ تاریخ مسلمانان شد.

۸ آبان، روز نوجوان

۸ آبان ماه روز شهادت محمد حسین فهمیده است. او نوجوانی ۱۳ ساله بود که در دوران دفاع مقدس به شهادت رسید. به همین خاطر، این روز به عنوان روز نوجوان (و بسیج دانش‌آموزی) نام‌گذاری شد. این روز را به همه‌ی نوجوان‌های عزیز تبریک می‌گوییم.

۱۳ آبان، روز دانش‌آموز و مبارزه با استکبار جهانی

روز دانش‌آموز مصادف با ۱۳ آبان و تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا است. علت نام‌گذاری این روز، واقعه‌ی کشتار جمعی دانش‌آموزان تهرانی است که به نشانه‌ی اعتراض به حکومت پهلوی، در صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷، در محوطه‌ی دانشگاه تهران جمع شده بودند.



۵ آبان، رحلت رسول اکرم صلوات الله علیه

۲۸ ماه صفر سالروز رحلت سید انبیا و برترین آفریده‌ی خدا، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) است؛ وجود مقدسی که خداوند متعال تمام جهان را به یمن او و عترت پاکش آفرید و نور وجودی او اول مخلوق خداوند است. پیامبری که خداوند حکیم بارها در قرآن کریم او را ستوده است.

۵ آبان، شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن علیه السلام بعد از شهادت امیرمؤمنان علیه السلام به مدت ده سال عهده‌دار مقام امامت بودند و در ۲۸ صفر سال پنجاه هجری، در سن ۴۷ سالگی، به دستور معاویه بن ابی سفیان و به دست جده، دختر اشعث بن قیس مسموم شد و بر اثر همان زهر به شهادت رسید.

۱۵ آبان، شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام در روز جمعه، هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری، در سن ۲۸ سالگی به شهادت رسید. وقتی امام حسن عسکری علیه السلام رحلت کرد، یارانش در خانه‌ی آن حضرت جمع شدند تا بر او نماز بخوانند. برادرش جعفر کذاب هم آمد تا بر آن حضرت نماز بخواند و شیعیان حضور داشتند که ناگهان دیدند جوانی آمد و دامن جعفر را گرفت و او را از کنار پدرش دور کرد و بر پدرش نماز خواند. وقتی از نماز بر پدرش فارغ شد، از میان مردم بیرون آمد و رفت و ناپدید شد و نفهمیدند از کدام سو رفت. بعد از اقامه‌ی نماز بر پیکر حضرت، امام حسن عسکری علیه السلام در همان خانه‌ای که پدرش در آن دفن شده بود، در سامرا دفن شد. پس از شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، حضرت امام زمان (عج الله تعالی فرجه و الشریف) به امامت رسیدند.*

۱۸ آبان، روز ملی کیفیت

هجدهم آبان ماه روز ملی کیفیت نام گذاری شده است. در این روز، به برترین و سرآمدترین سازمان‌های ایرانی حائز شرایط در بخش‌های مختلف کشور، شامل سازمان‌ها، بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، واحدهای عملیاتی، مؤسسات بخش عمومی، بنگاه‌های کوچک و متوسط مستقل و بنگاه‌های کوچک و متوسط وابسته که در زمینه‌ی ارتقای کیفیت و سرامدی کسب و کار فعالیت‌های چشم‌گیری انجام داده‌اند، جوایزی اعطا می‌شود.

۱۹ آبان، میلاد رسول اکرم صلوات الله علیه به روایت اهل سنت

فاصله‌ی میان ۱۲ ربیع الاول را که سالگرد ولادت پیامبر اکرم صلوات الله علیه بنا بر روایات اهل سنت است، تا ۱۷ ربیع الاول که تاریخ ولادت رسول الله بنا بر روایات شیعه است، هفته‌ی وحدت نام گذاری شد.

۲۴ آبان، میلاد رسول اکرم صلوات الله علیه و امام جعفر صادق علیه السلام

آخرین پیامبر الهی در ۱۷ ربیع الاول از پدری به نام «عبدالله بن عبدالمطلب» و مادری به نام آمنه بنت وهب دیده به جهان گشود. روایت است که هنگام ولادت فرخنده‌ی حضرت محمد صلوات الله علیه، بت‌های مکه سرنگون شدند و نوری از وجود آن حضرت به سوی آسمان بلند شد که شعاع آن تا فرسنگ‌ها را روشن کرد.

امام جعفر صادق علیه السلام نیز در هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ قمری دیده به جهان گشودند و عالم انسانی را با انوار طیبیه‌ی خویش تابناک کردند. پدرشان امام محمد باقر علیه السلام ایشان را به نام عموی نیاکانش جعفر طیار علیه السلام، جعفر نام نهادند.

امام ششم شیعیان به مدت دوازده سال حیات با برکت جد گرامی‌شان امام زین العابدین علیه السلام را درک کردند و از مکتب تربیتی و علمی ایشان بهره بردند. همچنین، آن حضرت به مدت ۳۲ سال از وجود شریف پدرشان، امام محمد باقر علیه السلام برخوردار بودند و در تمام رویدادهای مهم در کنار پدر ارجمندشان قرار داشتند.



عکاس: احمد رضا کریمی

* این طولون، الاصله لانی عشر، تحقیق صلاح الدین منجد، قم، منشورات الرضی، بی.تا.

بی نوشت

در هر شماره از مجله، آموزگاران، کارشناسان دوره‌ی ابتدایی و دیگر مخاطبان، با ارسال مقالات، عکس‌ها، خاطرات، تجربه‌های کلاسی و یا حرف‌های خودمانی، ما را در پربارتر شدن این ماهنامه یاری می‌کنند. در ادامه نام بعضی مخاطبان و مطالب ارسالی آن‌ها درج شده است. توجه همکاران محترم به نکات و تذکرات کارشناسان مجله در ارسال مطالب می‌تواند راهگشا و سازنده باشد. با رعایت اصول نگارش و مورد نیاز مجله، به نویسندگان این نشریه بپیوندید.

۱ زیبا معمار صلخی؛ آموزگار دبستان معرفت، منطقه‌ی شهاب، هرمزگان

۲ فاطمه بحرشنکن؛ منطقه‌ی شهاب، هرمزگان

«بررسی ضعف دانش‌آموزان در حفظ شعر ...»

۳ آمنه ایرانی؛ منطقه‌ی شهاب، هرمزگان

۴ رحیم گورانی صلخی؛ منطقه‌ی شهاب؛ هرمزگان.

«بررسی علل ضعف دانش‌آموزان در املا»

۵ احسان افتادگان بیدگلی؛ آموزگار دبستانی صبا، آران و بیدگل.

«ساعت بازی در کلاس درسی»

۶ مائده مرادی؛ کاشان

«شهری تفته در دل کویر»

خانم مرادی، نوشته‌تان به نسبت اثرگذار است، اما شما باید تجربه‌ها و مطالب خود را دقیق‌تر و براساس توضیحات دفتر مجله بفرستید. نکته‌ی دیگر این است که این نوشته را به سایر مجلات رشد هم فرستاده‌اید. در حالی که لازم است هر مطلبی را خاص مخاطب خود در نظر بگیرید.

۷ ریحانه جلالی؛ منطقه‌ی ۱۴ تهران.

«پیشنهادهایی در ارتباط با اجرای کارگاه عملی خلاقانه‌ی دیکته و ریاضی»

در هر شماره از مجله به ۴ نفر از شرکت‌کنندگان که درست‌ترین پاسخ را نوشته باشند، هدیه و تقدیرنامه‌ای به امضای مدیرکل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی تقدیم خواهد شد. اسامی برندگان را در شماره‌ی ۱ دوره‌ی بعد ببینید.

مسابقه- آبان ماه

همان‌گونه که آگاه هستید، از دوره‌های قبل، مسابقه‌ای در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی برگزار می‌شد. حال نیز با هدف و رویکرد «مشارکت فرهنگیان در مجله و حضور حداکثری شما» این مسابقه در هر شماره ادامه می‌یابد. استقبال آموزگاران و کارشناسان و دیگر مخاطبان از این حرکت فرهنگی، مایه‌ی دلگرمی ما و دلیل توجه شما به این مجله است. بنابراین، از دوستانی که به تازگی به جمع ما پیوسته‌اند درخواست می‌کنیم، با مطالعه‌ی مجله به دو سؤال زیر پاسخ دهند و تا ۲۵ آذر ۱۳۹۸ جواب را از طریق پیام‌نگار مجله یا به صورت پستی برای ما بفرستند.

۱. این جمله را در ارتباط با ارزشیابی توصیفی کامل کنید: «در ارزشیابی توصیفی، تمام تلاش معلم، والدین و ...»

۲. با مطالعه‌ی گزارش گفت‌وگوی مجله با آموزگار چندپایه‌ی خلیل‌آبادی به نام آقای احمد هادی، شما نیز یکی از تجربه‌های خود را در موضوع غنی‌سازی محیط آموزشی یا به عبارتی شکار موقعیت‌ها در کلاس و تدریس بنویسید.

مهلت ارسال پاسخ‌ها ۲۵ آذرماه ۱۳۹۸

ثریا ابراهیمی



لبخند آموزش

وقتی نمی‌خندی بین من و تو فاصله است، اما لب‌ت که به خنده باز می‌شود، دیوار فاصله از میان می‌رود؛ من و تو یکی می‌شویم، ما می‌شویم؛ همدل و همراه. حالا که مرا به دلت راه دادی، حرف‌هایت به دلم می‌نشیند و تا عمق جانم نفوذ می‌کند. حالا که باورم کردی، باورت می‌کنم. آموزش این است؛ با نگاه و لبخند. زبان، به اندازه‌ی نگاه و لبخند، نه صداقت دارد و نه تأثیر.

ثریا ابراهیمی



داود داوودی



سید شهاب‌الدین شهابی



حمیده شفیعہا



ثریا ابراہیمی



مجتبیٰ محمدی



ثریا ابراہیمی



بیمان حمیدی پور



ثریا ابراہیمی





آیندهی مملکت در دست دانش آموزان است. (مقام معظم رهبری)